

رفیق

نوراحمد نور

زنده‌گی‌نامه، تصاویر، بیانیه‌ها و مقالات

تهیه و تنظیم:

بهمن آرام

رفیق

نوراحمد نور

زنده‌گی‌نامه، تصاویر، بیانیه‌ها و مقالات

تهیه و تنظیم:

بهمن آرام

عنوان کتاب: رفیق نوراحمد نور
تهیه و تنظیم: بهمن آرام
ناشر: نویسنده
سال انتشار: ۲۰۲۵
محل انتشار: آمستردام
شماره چاپ: اول
تعداد صفحات: ۱۹۰
تیراژ: ۱۰۰ جلد
چاپخانه: Pixel home

فهرست مطالب **صفحه**

سخنی با خواننده

تولد تا شرکت در حاکمیت سیاسی.. ۱

تبعید اول ۵ ژوئیه ۱۹۷۸.. ۵۳

تبعید دوم ژانویه ۱۹۸۴.. ۱۳۵

تبعید سوم ۱۶ مارس ۱۹۸۸.. ۱۷۵

مهاجرت ۸ سپتامبر ۱۹۹۴.. ۱۷۹

سخنی با خواننده

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از زنده‌گی‌نامه، مقالات، سخن‌رانی‌ها و تصاویر رفیق "نوراحمد نور" که از منابع مختلف جمع‌آوری شده است

مقالات این مجموعه عمدتن از نشریه "پرچم" و تصاویر از نشریه "حقیقت انقلاب ثور" گرفته شده است و بدین وسیله از تمام کسانی که زحمت کشیده و این نشریات را به‌طور دیجیتال و رایگان در اختیار عموم قرار داده‌اند سپاس‌گزاری می‌گردد.

اما به علت عدم دست‌رسی به منابع کافی، نواقص بسیاری در این مجموعه وجود دارد که سعی خواهد شد با همکاری شما خواننده گرامی، این نواقص در چاپ بعدی برطرف گردد.

مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند دارای نواقصی باشد، تاریخ ذکرشده برای هریک از وقایع است. سال، ماه و روز هریک از وقایع دارای اهمیت ویژه‌ای است که باید به‌طور دقیق بیان گردند.

مورد دیگر، تصاویری است که اطلاعاتی در مورد زمان، مکان و موضوع آن‌ها در دسترس نبوده و به همین علت دارای توضیح نیست. چنان‌چه اطلاعاتی در این موارد حاصل گردد، این نواقص هم در چاپ بعدی برطرف خواهند گردید.

هم‌چنین، تصاویر بسیاری از نشریات قدیمی برداشته شده که دارای کیفیت مناسبی نیستند. چنان‌چه این تصاویر با کیفیت به‌تری در دسترس قرار گیرند، در چاپ بعدی جای‌گزین خواهند شد.

به‌طور کلی، هر گونه اطلاعاتی از سوی شما خواننده عزیز که بتواند گوشه‌ای از نواقص این مجموعه را برطرف سازد، موجب مسرت و امتنان خواهد بود و پیشاپیش از هم‌کاری شما سپاس‌گزاری می‌گردد.

بدیهی است تمام مواضع سیاسی مندرج در این کتاب متعلق به نویسنده است و هیچ ارتباطی به مواضع سیاسی رفیق "نور" ندارد.

بهمن آرام

هلند، دسامبر ۲۰۲۵

bahmanaram@hotmail.com

تولد تا شرکت در حاکمیت سیاسی

رفیق "نوراحمد نور" در ۲۴ ژوئیه ۱۹۳۷ در قریه "صالحان" ولسوالی "پنجوائی" در ولایت "قندهار"، در جنوب غربی شهر "قندهار" در افغانستان و در خانواده‌ی "عبدالستار خان"، یکی از زمین‌داران بزرگ آن منطقه متولد می‌گردد.

خانواده‌ای که از یک سو، ۸ نسل قبلی‌شان به برادر "احمد شاه درانی" برمی‌گردد. "احمد شاه درانی" پس از مرگ "نادر شاه افشار" حاکمیتی مستقل در افغانستان ایجاد می‌کند؛ و از سوی دیگر از ۴ نسل قبل و از همان ابتداء حضور سرمایه‌های غارت‌گر انگلستان در این منطقه، به مقاومت علیه سرمایه‌داران جنایت‌کار انگلستان برخاسته است.

مخالفت با دست‌نشانده‌گان انگلستان در افغانستان تا بدان‌جا می‌انجامد که "امیر عبدالرحمان خان"، حاکم دست‌نشانده‌ی انگلستان در افغانستان، پدر پدربزرگ رفیق "نور"، یعنی "عبدالصمد خان" را نابینا می‌سازد و وی را با ۳ برادر دیگر و به همراه خانواده‌های‌شان به هندوستان تبعید می‌کند و

زمین‌های‌شان نیز توسط سائر زمین‌داران تصاحب می‌گردد.

"عبدالستار خان" نوه‌ی "عبدالصمد خان" و پدر رفیق "نور" در سال ۱۸۸۶ در هند متولد می‌شود و در سال ۱۹۱۰ به افغانستان بازگشته و بخشی از زمین‌های اجدادی‌اش را بازپس‌می‌گیرد. وی هم مانند نیاکان‌اش، علیه سرمایه‌های انگلستان به مبارزه می‌پردازد.



به‌همراه برادران‌اش

رفیق "نور" در سال ۱۹۴۴ وارد لیسه‌ی "حبیبیه" شهر "کابل"، پایتخت افغانستان، می‌شود و در سال ۱۹۵۷ تحصیلات‌اش را به پایان رسانده و در سال ۱۹۵۸ وارد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی "دانشگاه کابل" شده و در رشته‌ی روابط بین‌الملل به ادامه‌ی تحصیل می‌پردازد.

در سال‌های ۱۹۵۰ و اوائل ۱۹۶۰ محافل مارکسیستی – لنینیستی در افغانستان شکل می‌گیرند و از آن جائی که دانشگاه مرکز علم است و نگرش علمی، تنها ابزار درک قانون‌مندی‌های تکامل اجتماعی است، رفیق "نور" با آشنائی با این محافل و در ابتداء سنین جوانی دچار تحول ایدئولوژیک می‌شود؛ از طبقه‌ی خودش، یعنی طبقه‌ی فئودال‌ها، طبقه‌ی زمین‌داران بزرگ افغانستان که در آن زمان طبقه‌ی حاکم هم هستند، جدا می‌شود و به خدمت محکومان جامعه، یعنی کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان شهر و روستا در افغانستان و به‌طور کلی، به خدمت توده‌های محروم و ستم‌دیده‌ی افغانستان درمی‌آید.

رفیق "نور" پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۹۶۱ در ماه نوامبر همین سال در شعبه‌ی آرشیو وزارت امور خارجه‌ی افغانستان مشغول به کار می‌شود تا این که در ماه سپتامبر ۱۹۶۲ به خدمت سربازی می‌رود و به عنوان محصل مکتب ظابطان احتیاط در منطقه‌ی "بالاحصار" شهر "کابل" مشغول خدمت می‌شود و در همین دوره در ماه اوت ۱۹۶۳ عضو یکی از حوزه‌های قبل از تاسیس "جریان دمکراتیک خلق افغانستان" می‌شود.



رفیق "نور" از ماه اکتبر ۱۹۶۳ با درجه‌ی دریم بریدمن درغند (۷۲) فرقه (۸) پیاده در منطقه‌ی"قلعه جنگی" شهر "کابل" خدمت کرده و در ماه مارس ۱۹۶۴ با درجه‌ی دوهم بریدمن احتیاط خدمت سربازی را به پایان می‌رساند و بلافاصله مجددن به کار قبلی خود در وزارت امور خارجه افغانستان بازمی‌گردد.

در این زمان پدر رفیق "نور" از سوی سائر هم‌طبقه‌ای‌های‌اش، یعنی افراد طبقه‌ی حاکمه در افغانستان تحت فشار قرار می‌گیرد که پسر تو کمونیست شده و علیه ما مشغول فعالیت است و این وظیفه‌ی توست که این مسئله را حل کنی.

"عبدالستار خان" این موضوع را با پسرش رفیق "نور" مطرح می‌سازد و رفیق "نور" جهت رهائی پدرش از این مخمصه، با نوشتن متنی برای پدرش اعلام می‌کند که دیگر هیچ تعلقی به خانواده‌ی "عبدالستار خان" ندارد و هیچ ادعای مالکیتی هم بر اموال این خانواده ندارد. سپس با چشم‌پوشیدن از رفاه زندگی خانوادگی، در اتاقی محقر در شهر "کابل" زندگی مستقل

خویش را آغـاز مـی‌کند. وی بـا انتخـاب نـام فامیلـی "نور"، رسمن بـه طبقـه‌ی خود پشت مـی‌کند و بدین ترتیب گام مهمـی را در مسیر زنده‌گـی انقلابـی‌اش برمی‌دارد.

"عبدالستـار خـان" بـه خوبـی مـی‌داند کـه مسیری کـه رفیـق "نور" در پیش گرفتـه، علیـه منافـع طبقـه‌ی حاکمـه و بالطبـع علیـه منافـع پدرش می‌بـاشد، امـا بـه خـاطر صداقتـی کـه در پسرش مـی‌بیند همواره از وی حمـایت مـی‌کند تـا جائـی کـه بسیـاری از جلسـات مخفـی "جریـان دمکراتیک خلـق افغانستان" در منزل "عبدالستـار خـان"، یکـی از بزرگـترین فئودال‌هـای افغانستـان تشـکیل می‌گردند.

رفیـق "نور" در مـاه نوامبر ۱۹۶۴ از سوی حوزه‌ی محل فعـالیت‌اش بـه عنوان نمـاینده، جـهت شرکت در کنـگره‌ی موسس "جریـان دمکراتیـک خلـق افغانستـان" انتخـاب مـی‌شود و بـه عنوان جوان‌ترین عضو کنگره‌ی موسس در اول ژانویـه ۱۹۶۵، افتخـار بـعدی را نصیب خود می‌سـازد.



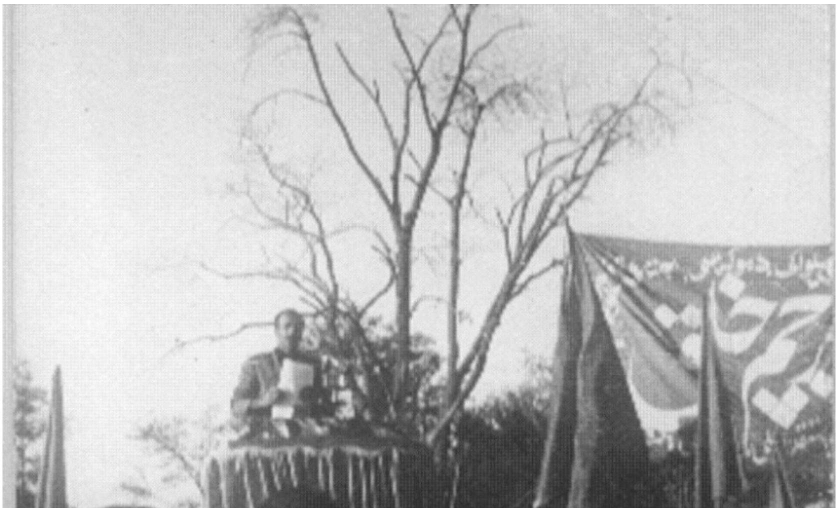




نخستین کنگره جریان دموکراتیک خلق افغانستان اول ژانویه ۱۹۶۵



رفیق "نور" در ماه ژوئن ۱۹۶۵ به عنوان کاندیدای مردم ولسوالی "پنجوائی"، جهت شرکت در مبارزات انتخاباتی دوره‌ی ۱۲ پارلمان افغانستان از وزارت امور خارجه استعفاء می‌دهد و در سپتامبر ۱۹۶۵ به همراه "آناهیتا راتب‌زاد"، "ببرک کارمل" و "فیضان‌الحق فیضان"، فراکسیون "جریان دموکراتیک خلق افغانستان" را در پارلمان افغانستان تشکیل می‌دهند.



رفیق "نور" در ماه مه ۱۹۶۶ به عنوان عضو علی‌البدل کمیته‌مرکزی "جمعیت دمکراتیک خلق افغانستان" و در ماه نوامبر همان سال به عنوان عضو اصلی کمیته‌مرکزی انتخاب می‌شود.



روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۶ هنگامـی کـه "ببرک کارمل" در مورد جزئیـات بودجه وزارت دربـار در حـال سخن‌رانـی است وکلای طبقـه‌ی حاکمـه در پارلمـان افغانستـان، این کار را مداخلـه در امور سلطنت تلقی کرده و بـه "ببرک کارمل" حملـه مـی‌کنند و هنگامـی کـه رفیـق "نور" به دفـاع از وی برمی‌خیزد یکـی از این نمـاینده‌گان بـه نـام "غلام ربانـی"، وکیل ولسوالـی "بالامرغـاب" ولایت "بـادغیس"، بـا میـکروفون بر سر رفیـق "نور" مـی‌کوبد کـه بـاعث بی‌هوشـی وی شده و رفیـق "نور" بـه همراه "آناهیتـا راتب‌زاد" و "ببرک کارمل"، کـه آن‌هـا نیز مجروح شده بودند، چند روزی در شـفاخـانه "ابن‌سینـا" بستری مـی‌گردد. در اعتراض بـه این حملـه، تظاهراتـی در مقـابل شـفاخانه "ابن‌سینا" در شـهر "کابل" برگزارمی‌شود و "آناهیتا راتب‌زاد" با سر و دست باندپیچـی‌شده از بالـکن بیمارستـان برای جمـعیت سخن‌رانـی مـی‌کند.

پس از این واقعـه، یکـی از سران طبقـه‌ی حاکمـه بـه "عبدالستـار خـان" پدر رفیـق "نور" مـی‌گوید کـه پسر تو نبـاید از "ببرک کـارمل" دفاع می‌کرد و بدین ترتیب مورد حملـه قرار مـی‌گرفت و پدر رفیـق "نور" در پاسـخ مـی‌گوید کـه "نوراحمد" پسر من نبود، اگر بـه حمـایت از رفیـق‌اش برنمی‌خـاست

رفیـق "نور" در طـی فعـالیت پارلمانـی‌اش بارهـا بـه سیاست‌هـای دولت افغانستـان انتقـاد مـی‌کند.

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره چهارم
پنجشنبه
۱۵ حمل ۱۳۴۷
۴ اپریل ۱۹۶۸

کارگران کشور بیکاراند!

چهره خوفناک بیکاری زندگی ملیونها نفر کارگران و زحمتکشان کشور ما را تهدید می‌کند

بیکاری ملیون‌ها هموطن ما ناشی از جهات منفی سیاست اقتصادی دولت و کندی آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ کشور است. بحران بیکاری در شهر و ده به اندازه‌ای بسط و توسعه یافته که مقامات دولتی نیز ناگزیراند به آن اعتراف کنند.

هرگاه ملیونها زن و مرد مستعد بکار که در رشته‌های غیرتولیدی و بصورت بیکاری‌های مزمن دائمی و فصلی و غیرفعال حیات بسر می‌برند مورد بحث علیحده قرار دهیم، هم‌اکنون صدها هزار نفر دهقان و کارگر در شهر و ده بیکارند. تنها در حدود هشتاد هزار کارگر ماهر و نیمه‌ماهر از رشته‌های مختلف پروژه‌های پلان دوم، بیکار مانده‌اند.

جالب‌توجه اینست که علی‌رغم بحران بیکاری مشهود در کشور که ناشی از وجود یک نظام کهنه و اقتصاد کوچک و ناتوان افغانستان میباشد، بازهم مقامات دولتی افغانستان داد سخن از پیشرفت و ترقی کشور و ارتقای سطح حیات مردم میزنند و گزارشهای پرطمطراقی را از دستگاه تبلیغاتی دولت پخش می‌نمایند. آیا این وضع تا کدام وقت دوام خواهد کرد؟

با این که مقامات رسمی دولت جبرا به بحران بیکاری اعتراف می‌نمایند، لیکن میخواهند چنین وانمود کنند که گویا این بیکاری صرف محصول

افزایش نفوس و عدم قدرت مالی دولت در ایجاد مؤسسات انتفاعی و طرح پروژه‌های بزرگ و عدم سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و در نتیجه، یک امر طبیعی کشورهای کم‌رشد است.

علت اصلی و واقعی بیکاری در کشور، همانا عبارت از وجود روابط پوسیده اقتصادی، اجتماعی است که محافل حاکمه کشور به حفظ و بقای آن علاقمنداند.

وقتی که دولت قسمت عمده بودجه را بی‌رحمانه حیف‌ومیل کند، صدها ملیون افغانی آنرا بجای آنکه صرف امور تولیدی و بخصوص صنایع نماید، در خرید وسایل بی‌لزوم از قبیل موترهای مودل سال ... و ده‌ها قلم مخارج زائد اداری اختصاص دهد، وقتی که سرحدات کشور را بروی اموال خارجی توأم با اعلانات رنگین باز گذارد و صنایع ناچیز کشور را در خطر ورشکستگی قرار دهد و دست ده‌ها هزار کارگر از کار گرفته شود، زمانی که فقر سیاه کشنده در دهات کشور، ده‌ها هزار دهقان را بسوی شهرها بکشاند، بدون اینکه کاری هم برای آن‌ها تأمین شده باشد، وقتی دولت برای یک لحظه هم در فکر ایجاد کار برای زحمتکشان نباشد، مسلم است که هیولای بیکاری روزبروز مردم وطن ما را در وحشت نگاه میدارد و کشور را به بحرانی عظیم مواجه میسازد.

از یک سو بیکاری و از سوی دیگر بلندرفتن روزافزون قیمت‌ها، زندگی ملیونها زحمتکش وطن را بطور بی‌سابقه‌ئی مورد تهدید مرگ قرار میدهد.

قابل غور است که حتی "مقامات مسئول" راجع به مساله رفع بیکاری (در پلان سوم) اقدام عملی مؤثری را مطرح بحث قرار نداده‌اند.

تجربه مبین این حقیقت است که تنها یک اقتصاد سالم و مترقی و ملی میتواند برای همه مردم کار ایجاد کند و برای اشتغال بیکاران پلان عملی طرح نماید. ولی در چهارچوب اقتصادیکه ملاکان فئودال و تاجران بزرگ دلال داخلی و تاجران خارجی و نمایندگی‌های انحصارات کشورهای

سرمایه‌داری چون گرگان در رمه آزاد گذاشته شوند و هدفشان غارت مردم و منابع و ثروتهای طبیعی وطن ما باشد، طبیعیست که رفع بیکاری صدها هزار کارگر و زحمتکش کشور مورد بحث قرارگرفته نمیتواند.

بیکاری در کشور بصورت عام در تمام طبقات و قشرهای زحمتکش اجتماعی وجود دارد. کارگران صنعتی و ساختمانی داد از بیکاری میزنند، اهل کسبه و پیشه‌ور بنا بر کساد بازار بیکاراند، دکانداران بیکاراند، دهقانان بیکاراند، زنان بیکاراند، مأموران بیکاراند، حتی تحصیل‌کردگان بیکاراند، بیکاری و همه‌جا بیکاری چون طاعون شیوع دارد. ملیون‌ها نفر در کشور بیکار هستند. شاید خود آنها و یا عوامفریبان محافل حاکمه و دروغگویان علم‌باف اقتصاد بورژوائی مدعی شوند که اشخاص شامل کار در کشور به ملیونها می‌رسد (این آقایان در جدول بیلانس قوای بشری افغانستان طی پلان سوم چنین ادعای نادرستی کرده‌اند).

بحران بیکاری که محصول مستقیم کندی آهنگ رشد اقتصادی کشور است با تمام فشار زحمتکشان کشور را شکنجه میدهد.

باید خاطرنشان ساخت، کسانیکه به اصطلاح مشغول کارند بنا بر عدم تناسب بین عواید آنها و گرانی قیمتهای مواداولیه زندگی با فقر وگرسنگی دچاراند، اکنون فکر کنید زندگی کسانی که کار و دستمزدی بقدر بخورونمیر هم ندارند، چه خواهد بود؟

روی همین حقایق تلخ و جان‌گداز است که باید کارگران و زحمتشان بیکار و کاردار وطن ماهیت ستمگرانه طبقات حاکمه کشور را درک کنند و فریب تبلیغات دروغین این و آن را نخورند. با هم متحد شوند، اتحادیه‌های کارگری خود را تشکیل دهند و بصورت متشکل از حقوق صنفی، اقتصادی و سیاسی خویش دفاع نمایند.

نور احمد

(وکیل پنجوائی قندهار)

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره نهم
دوشنبه
۱۶ ثور ۱۳۴۷
۶ مه ۱۹۶۸

ولی د قاچاق مخنیوی نه کیږی؟

په اصطلاح د قاچاق د انسداد داوړدو او سورورو تشکیلاتو باوجود او پدی لار کی د بودجی د زیاتو لګښتونو سره سره بیا هم نه یوازی د کابل، ننګرهار، کندهار، پکتیا او هرات او د هیواد د ټولو برخو بازارونه په قاچاق مالونو ډك دی، بلکه زمونږ د ارتیاوړ په لس‌هاوو قلمه مالونه چه پخپل هیواد کی لاس ته راځی د تاریخی آثارو او قیمتی ډبرو په ګډون له هیواد نه په ګریزی توګه د باندی وزی – او د مالونو له دې بې جلبه وتو او راننوتو نه د هیواد خارجی تجارت او ناتوانه اقتصاد ته سخت تاوان ور اوړیږ.

داخبره لکه لمر روښانه ده چه د لاجبرو قیمتی او نایابه ډیری له هیواد نه د غلا او قاچاق په توګه ایستل کیږی او له دی لاری نه په ملیونو افغانی چه د افغانستان د خلکوشتمنی ده د یو شمیر قاچاقچیانو دلالانو او دهغوی د حامیانو او د امپریالستی انحصاراتو له خوا لوټ کیږی.

زمونږ د هیواد مهم پیداوار لکه پسونه، غلی او نور غذایی مواد چه زمونږ خلك کلکه ارتیا ورته لری له هیواد نه د غلو په لاس ایستل کیږی. او همدا راز یوه برخه وارداتی مالونه چه د پیاوړو اسعارو د ادا کولو په مقابل کی لاس ته راځی بیرته په قاچاق تو ګه له هیواد نه وزی.

هیواد ته د قاچاق مالونو د راننوتلو بهیر تر دې اندازې پیاوړی او دوامې دی چه اوس گواکې لکه په یوه طبیعي جریان بدل شوی وی، د افغانستان د چارو متصدیانو داسې د هغه په مقابل کې غلي او بې حساسیته دي لکه چه پخپله د دی جریان د سا تلو وظیفه ولری. د پاکستانی سگروتو سل‌هاوو زره قطی چه د خلکو روغتیا ته تر هرو نورو سگروتو زیات تاوان رسوی، پرته د هر راز حق‌الانحصار او مالیاتو او د گمرکي محصول او عوارضو نه په آزاده توگه د افغانستان په هر ځای او هر وخت کې خرڅیږی، په ملیونو متره نخی او سندی ټوکران او ټول مصرفي اجناس په بازارونو او حتی د هیواد په ډیرو لرې گوټونو کې عرضه کیږی.

سرایونه، بازارونه او مغازې د ډیرو بد کیفیته غیرضروری مالونو څخه چه په ظاهر کې غولوونکي دی لکه پلاستیکي شیان، د اطفالو لوبغالی، ژاولی، مری.. او نور ډك شویدیږ او دا ټول په قاچاق توگه واردیږی.

یوه زمانه د آسیایي او افریقایي هیوادونو استعمار د لویدیځی اروپا د هیوادونو له خوا په همدې طریقه شروع شو. هغوی به خپل اضافه تولیدشیان چه په ظاهر کې به ښایسته ښکاریدل دی هیوادونو ته د غولولو او لوټماری لپاره راوړل او د دی هیوادو په ځینو کې بې له دی لاری نفوذ وکړ او په نتیجه کې یې هغوی تر استثمار لاندې راوستل. حتی په ډېره فجیعه او وحشیانه توگه‌یې د توریوستکو په تجارت (دغلام په توگه) لاس پوری کړل او دانسان د رانیولو په بدل کې‌یې، ژاولی○ هینداری، مری، شراب او تریاك ورکوله.

اوس چه د افغانستان بازارونه پراخیدونکي دی له دې وضعې نه د نوی استعمار او امپریالیزم په گټه هغه هم د هغو هیوادونو له لاری چه پخپله له امپریالیزم سره بشپړ سیاسی او اقتصادی تړون لری (پاکستان، ایران) د حریصو قاچاقچیانو او داخلي دلالانو او ځینو ار تجاعی محافلو په وسیله او مرسته استفاده کیږی او تکل کوی چه زمونږ تړون له امپریالیزم او د هغه تر نفوذ لاندی اقتصادونو سره لا زیاتشی.

آیا حکومتي مسئول (!) مقامونه متوجه شویدي چه څومره سره زر د انګلیسي پوندونو او ایراني پهلوي په شکل په تور بازار کې له یوه لاس نه بل ته ځي، آیا دال هـ کومي لاري را ننوزي؟ په هیواد کې د سرو زرو او تریاکو قاچاق د سترو داخلي او بین‌المللي قاچاقچیانو لپاره ډېره برکتي حرفه (!) ګرځیدلې ده.

دغو غلو د قاچاق راکړې ورکړې په وسیله د افغانستان د خلکو تول جیبونه تش کړیدي. سلګونه کیلو سره زر په بیلو بیلو ذریعو د طلا د قاچاق د مخصوص واسکټ نه نیولې د پرزو تر اشکالو پورې او د موټرونو په پرزوکې د هغو دخوندي کولو تر پولې د سرمایه داری هیوادونو د قاچاقچي عمالو او باندونو (ډلو) او د هغوی د پیاورو داخلي ملاترو په واسطه افغانستان ته راځي او له دې لارې نه د هند نه نیولې د آسیا تر جنوب ختیځ پورې ورل کیږي.

هر چا ته ښکاره ده چه د سرمایه داری هیوادونو سرمایه داري نمایندګۍ د خپلو نورو چپاولونو په ارخ کې د قاچاق په ګټندوی کار هم لګیا دي او بیا په تېره د دې نمایندګیو ځینې د بین‌المللي قاچاقچیانو نمایندګۍ هم کوي او د هیواد په اداري دستګاه او حاکمه محافلو کې داسې نفوذ او تسلط لري چه په آزاده توګه عمل کوي.

دلته پوښتنه پیدا کیږي چه نو ولې د قاچاق مخنیوی نه کیږي؟ ځواب ښکاره دی. پداسې حال کې چه متنفذین او عالي رتبه مامورین پخپله په قاچاق معاملو مشغول وي او د قاچاق له بین‌المللي باندونو سره رابطه ولري او د دوی تر سیوري لاندې ستر او خطرناک قاچاقچیان په آسوده ذهن او خاطر دی خائنانه کار ته دوام ورکړي اوله مجازاتو او پوښتنې نه حتی یوه کوچنۍ ویره هم ونلري نو څنګه کیدی شي چه د قاچاق دهیواد ورانوونکې سیلاو مخه به واوړي او د هیواد بېوزلې خلك به له دې طاعون نه خلاص شي.

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره یازدهم
دوشنبه
۳۰ ثور ۱۳۴۷
۲۰ مه ۱۹۶۸

مارش ظفرنمون کارگران – سیاست دفع‌الوقت حکومت

هیات حاکمه کشور از آزادی و دموکراسی و بیداری شعوری خلقهای افغانستان میترسند!

"متن استیضاح نوراحمد وکیل پنجوائی قندهار از حکومت"

موضوع اول استیضاح عبارت است از اعتصاب، تظاهرات و مارش کارگران تفحصات پترول شبرغان. مارش مسالمت‌آمیز و قانونی توام با انضباط آهنین کارگران تفحصات پترول شبرغان، مایه افتخار خلق کارگر افغانستان و یکی از حوادث مهم اجتماعی و سیاسی کشور محبوب ماست.

نخستین خصوصیت این مارش تحمل، تصمیم، استقامت شکست‌ناپذیر و اتحاد مستحکم کارگران وطن ماست که نشان میدهد مردم کشور ما از دموکراسی دفاع میکنند و تعمیم دیموکراسی خواست مبرم خلق افغانستان است. این مارش قهرمانانه کارگران به تلفیات و حرفهای مرتجعین که گویا افغانستان استعداد هضم دموکراسی را ندارند و دموکراسی موجب هرج‌ومرج میگردد، جواب دندان‌شکن داد.

اکنون حکومت شاغلی اعتمادی در پیشگاه قضاوت عامه قرار دارد که آیا به خواستهای قانونی، مسالمت‌آمیز و دموکراتیک و مطالبات اقتصادی کارگران تفحصات پترول شبرغان جواب مثبت میدهد و یا همچنان مثل حکومتهای سلف خود جواب کارگران را با طرد از کار، گرفتاری، توقیف، حبس، شکنجه و حتی خون و آتش میدهد؟

ما معتقدیم هرگاه حکومت جواب قانونی و مثبت به کارگران ندهد و به مطالبات اقتصادی آنان جواب مثبت داده نشود، در حقیقت حکومت از یک طرف به یک اقدام افتخارآمیز کارگران کشور، که افتخار خلق افغانستان است، لطمه عظیم وارد میکند و از جانب دیگر این خود حکومت است که با اتخاذ روش استبدادی در برابر خواسته‌های حداقل خلق کارگر کشور، باعث اخلال نظم عامه میگردد.

قرار آخرین اطلاع، نمایندگان حکومت، آمرین ژاندارم و پولیس رویه ضدکرامت انسانی و ضدقانونی را علیه کارگران وطن‌پرست تفحصات پترول شبرغان، چه در طی مارش و چه اکنون که در دهنه غوری محاصره میباشند، راه انداخته‌اند. نمایندگان محلی حکومت سعی کردند که از طریق تطمیع و حتی بشکل بیشرمانه با رشوت‌دادن به کارگران وحدت آن‌ها را از هم بپاشند. وقتی اتحاد آهنین کارگران باعث یاس نمایندگان حکومت گردید، دست به تهدید و لت‌وکوب زدند. عقل سلیم حکم مینماید که باید هیات فوق‌العادهئی که حداقل روش انسانی داشته باشد، بحضور کارگران فرستاده شده و با تضمین فوق‌العادهئی که باعث اطمینان کارگران باشد به مطالبات اقتصادی و صنفی آنان تن در دهد. زیرا مشکل است که کارگران اطمینان کنند که بعد از ختم مارش با همه دسایس استبداد سیاه که تاریخ این کشور به آن‌ها آموخته است، مواجه نگردند.

در خاتمه استیضاح اول، جدا خاطرنشان میگردد که خواست ضروری و مبرم کارگران افغانستان است تا هر چه زودتر قانون کار و کارگر، به نفع طبقه کارگر و بر مبنای اصول مترقی و دموکراتیک وضع و در معرض تطبیق قرار گیرد.

ما اکنون انتظار داریم که شاغلی اعتمادی صدراعظم موقف و تصمیم حکومت خویش را در برابر این مارش پرافتخار کارگران تفحصات پترول شبرغان توضیح نمایند.

موضوع دوم استیضاح روی مسایل عمومی و حاد کشور:

نکته مهمی که در محافل سیاسی افغانستان مطرح بحث است، همانا مسئله نقب‌گزاری در برابر قانون‌اساسی و بخصوص علیه یک سلسله آزادیهای محدود از قبیل آزادی نیم‌بند مطبوعات و اجتماعات است، که درین اواخر در کشور جوانه زده است و به اصطلاح، گویا شاغلی اعتمادی از خود یکنوع تحمل در زمینه نشان داده است! و محافل سیاه ارتجاعی راست افراطی در هیأت حاکمه دولت و هم در حکومت دست به انواع تخریبات، توطئه و تفتین میزنند. مثل اینکه برای این آقایان دموکراسی دشمن عمده و حیوانیست که آنها را خواهد بلعید.

آیا شاغلی اعتمادی طبق وعده که در خط مشی خویش داده بودند که در برابر جریانات سیاسی بیطرف خواهند بود و طبق قانون حرکت خواهند کرد، مطمئن استند که این روش از طرف تمام اعضای حکومت‌شان و اداره در افغانستان تطبیق می‌گردد؟

محافل سیاسی کشور تبصره مینمایند که تمام اعضای حکومت در این امر متجانس نیستند، یعنی در حکومت بسیارند کسانی که در برابر آزادی‌های دموکراتیک افراد و دموکراسی حساسیت مزمن دارند و برای‌شان قابل‌هضم نیست و ماهرانه به اتفاق ارتجاع سیاه تلاش میکنند که جوانه‌های آزادی را از ریشه بکشند و بخصوص فصل سوم حقوق افراد مندرجه در قانون‌اساسی را عملاً از بین ببرند و علیه بعضی جریانات وطن‌پرست و ترقیخواه تحریکاتی را، مثل حکومات سلف شما، راه بیندازند، و از طریق تولید نفاق و زد و خوردها و فتنه‌انگیزی (پرووکاسیون) در بین مردم آزادی‌خواه و دموکرات افغانستان اصل دموکراسی را بی‌اعتبار جلوه دهند. همچنان حقایق زندگی روزمرۀ اجتماعی ما نشان میدهد که قانون در کشور تطبیق نمی‌گردد و اعمال ضدقانونی و خودسرانه مأموران دولت هیچگونه جزایی ندارد، ارتشاء و دستبرد از بودجه ناتوان و خجالت‌آور دولت دیگر حد و حصری ندارد، ظلم و بیدادگری به اوج خود رسیده است. قدرت ارتجاع

سیاه راست افراطی روزافزون است، فقر و بیماری مردم را تهدید به مرگ می‌کند، قوانین مربوطه‌یی که از طرف قوای ثلاثه دولت مورد تصویب قرار میگیرد، همه نشان‌دهندهٔ محدودساختن ارزشهای دموکراتیک قانون‌اساسی است. حتی می‌توان گفت که به شکل بسیار ماهرانه و محیلانه، با تصویب قوانین جدید، تمام آزادی‌ها و حقوق مردم از بین برده میشود.

پلان سوم همچنان بصورت نیم‌بند باقی ماند، آهنگ رشد اقتصادی بصورت هلاکت‌باری بطی است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استعمار نوین روزافزون است. سکتور دولتی اقتصاد روز بروز مورد دستبرد و توطئه قرار میگیرد. بازارهای کشور بروی تاجران دلال داخلی وابسته به استعمار جدید و نمایندگیهای انحصارات سرمایه‌داری بی‌رحمانه آزاد گذاشته شده، تجمع سرمایه برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ جهت صنعتی‌شدن کشور اصلا مفهوم اقتصادی را در کشور ندارد.

در راه حل مساله زمین در کشور نه تنها اقدام نمیشود بلکه اصلا مفکوره آن برای هیات حاکمه افغانستان بصورت یک فکر بیگانه تلقی میگردد و صدها مسایل دیگر ملی ...

مسئلهٔ مورد استیضاح اینست که آیا حکومت شاغلی اعتمادی به یکنوع مرض سیاست دفع‌الوقت دچار نگردیده است؟ آخر تا کی باید انتظار کشیده و صبر کرد؟ آیا این وضع مسلط و هلاکت‌بار در کشور چطور میتواند برای وطنپرستان قابل‌تحمل باشد؟ استبداد، ارتجاع و نفوذ استعمار و بخصوص افسون مرتجعین که مردم را تخدیر میکنند تا چه وقت باید در کشور تسلط داشته باشد؟ وقتیکه تجربه ثابت کرده است که دیگر طبقهٔ حاکمه مرتجع و ستمگر افغانستان و محافل حاکمه سیاسی آن از لحاظ ماهیت طبقاتی خویش نمی‌خواهند که راه رشد و تغییرات سریع بنیادی و کیفی را در کشور باز کنند و وطن محبوب ما افغانستان و خلقهای رنجدیده کشور ما از یوغ استبداد، ارتجاع و استعمار رهائی یابند، پس اجازه بدهید که ما اعلان نمائیم که خود خلق‌ها و نیروهای دلیر وطنپرست افغانستان راه خود را باز خواهند کرد و

ارتجـاع سیـاه را لـگام خواهند زد. تحقـق این امر بـه مصالـح کشور مطابـقت دارد. ورنه کسی بخواهد یا نخواهد نوزاد افغانستان جدید راه خود را میگشاید زیرا بدون مبـارزه پیروزی ممـکن نیست، این قـانون تـکامل اجتمـاعیست، بـه اراده شخصـی و یـا کدام موسسـه سیاسـی تعلـق ندارد.

شـاغلی اعتمـادی صدراعظم شیوه دپلوماتیـک را کنـار گذاشتـه، روی این دردهـای ملـی از نـگاه و از لحـاظ اینکـه مسوولیت بزرگ بعـهده شمـاست توضیحاتـی بدهید!

شـاغلی اعتمـادی صدراعظم! بخود تـکان دهید، بـه این استیضـاح مشخص توضیـح مشخص بدهید!

چرا هیـات حاکمـه افغانستـان از آزادی، دموکراسـی و بیداری شـعور خلقهـای افغانستـان میترسد؟ آیـا آنهـا گمـان میـکنند وطن در خطر مـی‌افتد؟ آیـا راستـی طبقـات حاکمـه افغانستـان دلشـان برای وطن میسوزد؟ آیـا آنهـا معتـقدند کـه آزادی و دموکراسـی راه پیشرفت و ترقـی کشور را سد میسـازد؟ کدام ترقـی و پیشرفت؟ فـقر، بیمـاری و جـهل ملیونهـا هموطن؟ لطفـا نمونه‌ئـی در جهـان نشـان بدهید کـه آزادی و دموکراسـی علـت این حوادث بـاشد. بالعـکس این منافـع طبقـات حاکمـه است کـه بـاعث در خطر انداختن وطن مـی‌گردد و مانـع رشد سریـع و کیفـی و بنیـادی کشور میشود. حقایـق تلخ زندگی نشـان‌دهنده این واقـعیت است.

ببینیم شاغلی اعتمادی چه توضیحاتی میدهند!

شـعار مـا کـه: مبـارزه علیـه ارتجـاع سیـاه تـا پیروزیست! در مقـابل محـافل حاکمـه سیاسـی ارتجاعـی کشور، بنـا بر ماهیت طبقاتـی خویش، خواهند گفت: دفـاع از ارتجـاع و استبداد بهمـکاری استعمـار تـا سرحد مرگ شـعار مـاست. اگر چنین است، پس وطن و مـلت چـه شد؟

لطفا توضیح بدهید!

سوال اخیر اینست که ما چرا درین جلسه استیضاح ولسیجرگه بصورت مشخص، بسیار ساده حرف زدیم؟ جواب ساده اینست که بیسوادی مرض عام گذشته و از تحلیل علمی ما تعبیرات سوء میگردد.

شاغلی اعتمادی! آیا شما با ما همعقیده نیستید که اکثریت محافل حاکمه سیاسی کشور از درک حقایق علمی بدورند و سواد سیاسی ندارند و از تحلیل علمی جامعه هم بدورند؟ بلی! این میراث استبداد، ارتجاع و استعمار است.

امیدواریم در زمینه‌های مختلفی که استیضاح شد، توضیح داده شود.

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره بیست‌وسوم
دوشنبه
۲۱ اسد ۱۳۴۷
۱۲ اگست ۱۹۶۸

بازهم درباره‌ی "وضع خطیر اقتصادی و مالی" کشور

در موضوع خرابی وضع مالی دولت، علل و نتایج آن قبلا تحلیلاتی را در پرچم ارائه نموده‌ایم. در مضمون "یک نظر اجمالی بر منابع مالی پلان پنجساله سوم کشور" منتشره در شماره‌های چهارم و پنجم، مستند بر ارقام و حقایق نشان داده شده که از یکسو عواید ناچیز و خیلی محدود کنونی دولت با اینکه قسمت قابل‌ملاحظه آن از طریق امدادها و قروض خارجی تدارک میگردد، جهت تسریع آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ کشور فوق‌العاده ناکافی میباشد و از سوی دیگر عدم درک و توانائی حکومتهای گذشته و فعلی در افغانستان، بنا بر ماهیت طبقاتی آنها، مانع آن گردیده است که اقتصاد ملی ما سریع و همه‌جانبه رشد نماید، منابع عمده و اساسی عایداتی کشور مورد استفاده صحیح قرار گیرد و سطح حیات مادی و فرهنگی مردم بالا برده شود. همچنین وضع بحرانی مالی دولت در مضمون دیگری منتشره در شماره نزدهم مورد بررسی قرار گرفته و کرتیک شده است. معهذا درینجا صرف به نکاتی چند از اعترافات شاغلی وزیر مالیه راجع به "وضع خطیر اقتصادی و مالی کشور" که حین ارائه بودجه سال ۱۳۴۷ در شوری صورت گرفته است، اشاره می‌نمائیم:

در مقدمه بیانیه شاغلی وزیر مالیه گفته میشود: "در چند سال اخیر بنا بر توسعه مداوم پروگرامهای انکشافی مملکت حجم بودجه سالانهی دولت بلند رفته ... " سوالی بمیان می‌آید که توسعه کدام پروگرامهای انکشافی؟ اگر ما در نیمه سال دوم پلان پنجساله سوم قرار داریم، به شهادت اعداد و ارقام

رسمی درمی‌یابیم که مصارف انکشافی پیش‌بینی شده پلان سوم با مقایسه مصارف پیشبینی شده پلان دوم ۶/۱ ملیارد افغانی کمتر است و در عمل این کسر بازهم بیشتر خواهد بود. پس معلوم است که مصارف عادی دولت افزایش یافته است. در حالیکه قسمت قابل‌ملاحظه آن را مصارف "امنیتی" و زاید اداری و تشریفاتی تشکیل میدهد. مثال برجسته آن منظوری پنج‌صد و پنجاه و سه ملیون افغانی بودجه مصرفی اضافی از طریق فرمان تقنینی، علاوه بر بودجه تصویب‌شده توسط ولسی‌جرگه در اواخر حکومت میوندوال می‌باشد، که این امر از طرف شوری یک عمل صریحا خلاف قانون اساسی کشور خوانده شده است، که وکیل ببرک کارمل عضو فرکسیون دموکراتیک خلق در پارلمان افغانستان حین بحث و رأی‌گیری بر این موضوع در جلسه عمومی ولسی‌جرگه بشدت انتقاد کرد که:

"ما بارها بر اساس حقایق و ارقام توضیح داده‌ایم که از یکسو عواید دولت به تناسب ضرورت رشد سریع اقتصاد ملی و فرهنگ فوق‌العاده ناچیز است و آنهم قسمت بزرگ این عواید ناچیز از طریق مالیات غیرمستقیم (که فشار و سنگینی آن مستقیما بالای توده‌های عظیم مردم فقیر ما تحمیل میگردد) و کمکهای خارجی بدست می‌آید. از سوی دیگر طبق حقایق و ارقام ثابت است که یک قسمت قابل‌ملاحظه عواید دولت در اثر اختلاس، سوءاستفاده و مصارف زائد دستگاه فاسد اداری دولت افغانستان بهدر می‌رود. مساله سوءاستفاده از عواید دولت برای حکومتها به پیمانه یک ضرورت حیاتی شخصی تلقی گردیده که حکومتهای بیرحم نه تنها به تنقیصات اصلاحی و ناچیز شوری تسلیم نمی‌شوند، بلکه جسارت را بجایی میرسانند که علی‌رغم قانون‌اساسی و تصمیم ولسی‌جرگه که مبلغ ۵۵۳ ملیون افغانی دیگر را نیز خودسرانه زیر نام "مازاد بودجه" بمصرف میرسانند. لذا به تأئید آن وکلای محترم که در حکومت اخیر، یعنی حکومت میوندوال و اعضای مسوول حکومت اعتمادی را در زمینه مسوول قرار داده‌اند، ما هم مسوولیت آنها را تأئید و پیشنهاد می‌نمائیم که باید ولسی‌جرگه دلیرانه موضوع را تا اخیر تعقیب نماید و اشخاص مسوول بدون استثنا خواه بالفعل و یا بالقوه

در قدرت‌اند، مورد تحقیق، تفتیش و محاکمه قرار گیرند و طبق قانون به جزای سنگینی برسند تا حداقل جلو خودسریها و عدول از قانون گرفته شود و گذاشته نشود که ارزشهای قانون‌اساسی جدید به سرنوشت قانون‌اساسی کهنه مواجه گردد. باید آزادیهای مصرح در قانون را از چنگال استبداد و توطئه نجات داد! باید شجاعانه گام برداشت."

* * *

در قسمت دیگری از بیانیه شاغلی ضیائی وزیر مالیه گفته میشود که: "وضع نامساعد اقتصاد بین‌المللی که اوضاع پولی اکثر ممالک را از نگاه مشکلات بیلانس تادیات و تغییر پالیسی‌های پولی متأثر ساخت، طبعاً بصورت غیرمستقیم، ما هم از تأثیرات منفی آن برکنار مانده نمی‌توانیم ... " اگر پالیسی‌های اقتصادی حکومت بهمین وضع و منوال ادامه دارد و اگر کماکان سیاست درهای باز در اقتصاد کشور بسود استعمار نوین و امپریالیسم و دلالان داخلی آن تعقیب می‌گردد، درست است که اقتصاد ناتوان و نابسامان ما بحیث زائیده اقتصادهای عظیم و غول‌آسای کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی و امریکا از بحرانات حاد و عمیق پولی اینکشورها بدور مانده نمی‌تواند، که نتیجه طبیعی آن طوریکه حکومت اعترف کرده است، وضع نامساعد و سرد فروش اموال صادراتی ما در کشورهای سرمایه‌داری و اثرات نامطلوب آن در مالیات و محصولات و حجم صادرات اموال و بصورت مشخص در مورد نوسانات اسعار خارجه بوضاحت بمشاهده میرسد که اینوضع بخودی‌خود نتیجه نیست، بلکه به ورشکستگی اقتصادی، تعمیق بحران، تنزیل سطح زندگی بازهم بیشتر خلق و "افزایش تعداد بیکاران و ضیقی ساحه کار" بر اساس اعتراف حکومت "واقع‌بودن مملکت در آستانه یک مرحله رکود اقتصادی» منتج میگردد.

وضع خیلی نامساعد و بحرانی مالی و اقتصادی کشور، کساد بازار و معاملات و رکود اقتصادی چیزی نیست که بتوان آنرا پنهان کرد، حکومت ناگزیر است که بآن اعتراف نماید، اما تنها اعتراف چاره و کلید حل

مشکلات نیست. منافع مردم جدا ایجاب می‌نماید که در اینوضع تغییری رونما گردد، ولی صریحا اعلام میداریم که چاره اساسی ایجاد تحول کیفی و بنیادی در اقتصاد کشور و ساختمان اجتماعی و اقتصادی جامعه ماست که این امر بوسیله حکومتی دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی انجام یافته می‌تواند، نه حکومتهای که آله و افزار طبقه حاکمه فئودالی و تاجران بزرگ دلال وابسته به استثمار استعماری و امپریالیسم میباشند.

* * *

در جای دیگری از بیانیه اعتراف میگردد که وضع نامساعد مالی و اقتصادی کشور در سال گذشته اثرات نامطلوب خود را در سال جاری وارد مینماید. طبعا وضع بحرانی امسال تأثیرات خود را برای سالهای مابعد بجا خواهد گذاشت که فشار آنرا زحمتکشان و طبقات محروم جامعه ما متحمل می‌شوند که در نتیجه تضاد بین فقر و غنا روز تا روز تشدید میگردد و این جریانیست بخصوص در سالهای اخیر که همه کس بصورت مشهود می‌تواند آنرا به بیند.

شاغلی ضیائی وزیر مالیه در سخنرانی خود گفته است که بودجه سال جاری تمام خواسته‌ها و نیازمندیهای مردم را برآورده نمی‌تواند، یعنی ادعا میگردد که گویا قسمتی از آنرا برآورده میسازد در حالیکه عمل و تجربه نشان میدهد که نه تنها خواسته‌های ضروری مردم و بدرجه اول ضروریات ابتدائی و خیلی مبرم آنان یعنی حداقل شرایط حیات، غذا، لباس، و مسکن برای مردم تأمین نشده است، بلکه هر روز بیشتر از روز دیگر مردم ازین ناحیه بمشکلات و معضلات گوناگونی برمی‌خورند. پنجالهای شوم فقر و گرسنگی، بیماری و بی‌روزگاری گلوی مردم را میفشارد و عرصه را برایشان تنگتر میسازد، در حالیکه اقلیتی مفتخوار، طفیلی و سرباری از تمام امکانات مادی و معنوی جامعه نفع میبرند.

ما معتقدیم مادامیکه پایه‌های اساسی حکومتها را در افغانستان طبقه استثمارگر و ستمگر فیودالی و قشر تجار بزرگ دلال و ملاکین بوروژوا —

بیوکرات تشـکیل میدهد، انتظـار انجـام کاری مـهم و تحولـی عمیـق به نفع خلق از طرف آنهـا بیـهوده خواهد بود.

نور احمد

وکیل پنجوائی قندهار در ولسیجرگه

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره بیست‌وهفتم
دوشنبه
۲۵ سنبله ۱۳۴۷
۱۶ سپتمبر ۱۹۶۸

زندان‌ها

در تاریخ طولانی مبارزات ملی ما افسانه‌های وحشتناک زندانها و سیاه‌چاه‌های طراز شرقی و آسیائی و بشیوه قرون‌وسطائی در کشور تکان‌دهنده است و موی در بدن شنونده راست میکند.

صدها انسان دلیر و آزادیخواه کشور قربانی زندانهای سیاه و سلول‌های مرگ گردیده‌اند. هزاران طفل و جوان هموطن ما که شرایط نامساعد اجتماعی، فقر و گرسنگی، بیکاری و جهالت آنها را در چنگال انحرافات و فسادهای اخلاقی انداخته است "در مدرسه فساد زندان‌ها" بیشتر به لجن‌زار انحرافات اخلاقی و روحی فرو رفته‌اند. وضع زندانهای زنان خیلی ننگین و دور از هر نوع پرنسیب اخلاقی بوده، شرایط ضدکرامت انسانی، شکنجه‌ها و فقر کشنده و زجردهنده زندانها باعث سقوط و انحطاط سهمگین هزاران زندانی گردیده است.

تا اکنون هم صدها انسان بدون اثبات جرم و محاکمه در زندانها و بازداشتگاه‌ها در وضع خیلی بدی بسر میبرند. تاریخ زندانهای افغانستان گواه است که برخلاف تمام اصول اخلاقی و انسانی و قانونی با متهمین سیاسی و سایر زندانیان رفتار گردیده است. شلاق، کوته‌قفلی و شکنجه، دشنام، تحقیر و توهین جزو عادی‌ترین رویه زندانبانان نسبت به زندانیان سیاسی بوده است. غالباً مساله اجازه ملاقات با کسان زندانیان از مسایل مشکل زندانهای افغانستان بوده و است. زندانها عموماً فاقد کوچک‌ترین شرایط صحی میباشند و شرایط داخلی سلولهای زندان‌ها غیرقابل‌تحمل است.

در زندانهای عمومی ده، پانزده نفر را در سلولهای کوچک دو، سه نفری می‌اندازند.

مساله عدم تامین خوراک، لباس، دوکتور و دوا و حتی مطالعه کتاب از سنگین‌ترین شرایط زندانهای کشور بشمار می‌رود.

اینست گوشه‌یی از سرنوشت کرامت انسانی در داخل زندانهای افغانستان!

راه علاج واقعی اینهمه بدبختی‌ها تغییر شرایط اجتماعی و نجات انسانهاست.

(نور)

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره بیست‌وهشتم
دوشنبه
اول میزان ۱۳۴۷
۲۳ سپتمبر ۱۹۶۸

د تابعیت حق

او له هغه نه ناشی حقوق، آزادۍ او وظایف

د یوه هیواد د افرادو د تابعیت د حق مساله له هر راز تبعیض نه پرته (لکه ښځواله، نارینتوب، نژاد، مذهب، ژبه، سیاسی عقیده او یا بله هره عقیده، اجتماعی وضع، زیږیدنه یا هر بل موقعیت) د ټولنی د وګړو د حقوقو او د دموکراتیکو آزادیو وظایفو او مسؤولیتونو د تأمین په لحاظ ستر اهمیت لري. مګر زمونږ په هیواد کی تر اوسه پوری د هیواد د جمعیت اکثریت، بیا په تیره ښځی او د کوچی قبایلو وګړی (د اساسی قانون له لحاظه د تابعیت د بالقوه حق له لرلو سره سره) عملاً له سیاسی، مدنی، اجتماعی، او فرهنګی آزادیو نه محروم دی.

اساساً عالیه اختیارات او ملی حاکمیت له ملت نه ناشی دی او ملت هم له اتباعو نه جوړ شویدی او همدا راز د ملت اراده او قدرت بیا خصوصاً د سیاسی حقوقو له لاری او له هغی جملی نه د انتخابیدلو او انتخابولو د حق او په سیاسی ژوند او حزبونو کی ګډون د حق له لاری تجلی کوي. نو ځکه د یو تبعه تر ټولو ستر امتیاز، حق او مسؤولیت د هغه په رأی ورکولو کی څرګندیږی. هغه څوک چه تبعه ندی په ملی حکومت کی د ګډون حق نلری. ددی ستر اصل پر اساس دی چه باید د یو هیواد وګړی له هر راز توپیر نه پرته، د تابعیت له حق او له ټولو هغو حقوقونه چه له دی حق نه راپیدا شویدی برخوردار وی.

مهمه نکته دا ده چه په معاصره نړۍ کې د اتباعو د مسؤولیت مفهوم له دموکراتیکو حقوقو او آزادیو نه پرته هیڅکله په نظر کې نشي نیول کیدلای. له همدې کبله په اوسنۍ نړۍ کې د اصل منل شویدی چه یو ملي دولت مؤظف دی چه ټولو خلکو ته اعم له ښځې او نارینه نه چه په هغه کې ژوند کول غواړي د تابعیت حق له نورو دموکراتیکو حقوقو او آزادیو سره یو ځای تأمین کاندي هیڅ دولت حق نلري چه پخپل سر څوک د تابعیت څخه محروم کاندي.

د بشر د حقوقو جهاني اعلامیه په (۱۵) ماده کې وایي: «۱- هر څوک حق لري چه تابعیت ولري. ۲- هیڅوک له خپل تابعیت او یا د تابعیت له تغیر نه محروم کیدلی نشي».

په یوه ملي او دموکراتیکه ټولنه کې چه د اصیلي دموکراسۍ پر موازینو ولاړه وي او په هغې کې د خلکو پراخې دموکراتیکې آزادۍ بسیاوي او خلک د دولت په اداره او د ټولنې په اعمار کې فعالنه ګډون ولري د هیواد کلي اصول په لاندې ډول دي:

- د وطن د استقلالُ ارضي تمامیت او ملي حاکمیت دفاع له هیواد سره خیانت او د وطن د خلکو په دښمنانو پوري زړه تړل او د وطن د خلکو داخلي او خارجي دښمنانو ته جاسوسي کولُ تر ټولو ستر ملي جنایت او خیانت بلل کیږي.

- د مالیي د دموکراتیک او مترقي قانون پر اساس د مالیاتو ادا کول.

- د هغو قوانینو، مقرراتو او د موکراتیک نظام اطاعت، چه پخپله خلک د هغوی په مستقیمه او غیرمستقیمه توګه د خپلو ریښتونو او واقعي نمایندهګانو له لاري «د اساسي قانون سره سم» فعاله برخه ولري.

- عامه ملکیتونه او ملي شتمنۍ چه د وطن د اقتدار سرچینه او د خلکو او راتلونکو نسلونو د رفاه منبع دیُ دفاع کول او ساتل او د هیواد د خلکو د پرګنو په ګټه له هغوی څخه بهره اخیستل او د هغوی د د بربادولو او ضایع

کولو پر ضد مبـارزه کول.

- د استبداد، ارتجـاعُ ملـی ستمُ استعمـار او امپریـالیزم او استعمـار پر ضد مبـارزه.

- په هیواد کی د سولېُ دموکراسۍ او ترقۍ دفاع.

- د انتخابـاتو د آزادۍ دفـاعُ د خلـکو مدافففعو او مطـلوبو کاندیدانو تـه د رأیو پـه صندوق کـی د پـاڼو اچول.

- د سیاسـی او طبقاتی شـعور لرل او د داسـی مسـایلو له بهیر نه باخبر اوسیدل لکـه د حـکومت سیـاست، اقتصـادی پلانونـه، د هیواد صنعتـی کول، دولتـی سرمایـه‌گذاری او داخلـی او خارجـی خصوصـی تشبثونـه، داخلـی او خارجـی پورونـه، د نرخونو جـگیدل، د لاسمز د کمیدل، د کار او سرمایـی روابط، د ځمکـی او بزرگر روابط، د هیواد خارجـی سیـاست، بین‌المللـی نهضتونه، ملی نجـات بخشونکـی نهضتونـه، د سولـی او جنـگ مسـأله ... او لس‌هـا وونور داخلی او خارجی مسـایل چه د خلکو او راتلونکو نسـلونو لهژوند سره ارتباط لری.

باید یادونه وشی چه د یو هیواد د اتباعو ستر اکثریت هله د مسوولیت احساس کوی چه پخپلـه پـه مستقیمـه توگـه او یا د خپلو نمـایندهگانو لـه لاری او قوانینو پـه وضـع کولو کـی اساسـی برخـه ولری او دی سره سره یـی خپل حـقوق او آزادیءهم تاکلـی وی. د واقعی دموکراسـی مفـهمومهم همدادی.

د بشریت د حـقوقو جهانـی اعلامیـه پخپلـه پنځـه ویشتمـه مـاده کـی اعلام کوی چه:

«۱- هر څوک د هغـی ټولنـی پـه مقـابل کی وظیفـه لری چه د هغه د شخصیت آزاده او بشپړه وده میسره کاندی.

۲- هر څوک د حـقوقو پـه اجرأ او د خپـلو آزادیو پـه استفـاده کـی یوازی د هـغو محدودیتونو تابـع دی چـه د قـانون پـه وسیلـه منحصراَ د نورو د حقوقو او

آزادیو د پیژند ګلوی او مراعات په منظور او د اخلاقو او عمومی نظم او د ټولو د رفاه د صحیحو مقتضایاتو د رعایت لپاره د یوی دموکراتیکی ټولنی په شرایطو کی وضع شویدی.»

حقایق او تجربه ثابتوی چه «هغه قوانین او مقررات» کوم چه په یوه مرحله کی د یو خودسره اقلیت د حاکمه هیأت له خوا د خلکو د ستر اکثریت له آزادی او د هغوی د واقعی نمایندهګانو (شوری) له مداخله نه پرته، وضع شویدی هیڅکله په خلکو کی د مسوولیت احساس نه پیدا کوی او د اساسی حقوقو له نظره د هغوی مطلق او بلا شرط اطاعت، اجتماعی الزام مشی بلل کیدای او د «اساسی قانون» له لحاظ قانو نه تلقی کیږی.

اجتماعی قوانین اعم له اساسی او عادی نه «د عصر د مقتضیاتو» او د ټولنی د مادی او اجتماعی شرایطو او د تکامل د عینی قانون سره سم، مرحله په مرحله تغییر او تحول مومی او په هره مرحله کی د خلکو ستر اکثریت کولای شی هغه د اصولو مطابق له خپلی ګټی سره سم تغییر کاندی.

د قانون او اجتماعی نظام په مقابل کی د اطاعت روح په واقعیت کی د خلکو په آزاده اجتماعی اراده باندی ولاړی. پداسی حال کی چه بر عکس په تاریخ کی لیدل شویدی چه د یوه هیواد د ظالم اقلیت حاکمه هیأتونو هڅه کړیده چه د خلکو عقاید او افکار د یو مرکزی قدرت په کانون کی متمرکز کاندی او په اصطلاح د خپل «نظام قانون» «وحی منزل» او له خطا نه عاری وښیی او به خلکو باندی یی د ویری او فقر د راپیدا کولو په وسیله تحمیل کاندی. مګر د دوی د ارادی په خلاف دا وضع په خود بخودی توګه پخپله ګیډه کی خپل ضد روزی او د قانون د اطاعت او مسالمتامیزی مبارزی رو په خلکو کی له مینځه ځی او خلک «د وروستی علاج په عنوان د ظلم او فشار پر ضد» قیام ته مجبوریږی.

د دغو حقایقو له مخی د بشر د حقوقو د جهانی اعلامیی په دوهم او ذریم پاراګراف کی ویل کیږی: «له هغه ځایه چه د بشر دحقوقو نه پیژندنه او

تحقیر پداسی وحشیانه اعمالو منتهی شویده چه د بشریت روح یی سرکشی ته مجبور کړیده، نو د داسی نړۍ ظهور چه په هغی کی د بشر افراد په بیان او عقیده کی آزاد او له ویری او فقر نه خلاص وی، د بشر د آمالو د پورتنی عنوان په حیث اعلام شویده.

له هغه ځایه چه اساساً انسانی حقوق باید د قانو په اجرا حمایت شی تر څو بشر د وروستی علاج په عنوان د ظلم او فشار پر ضد قیام ته مجبور نشی.»

له همدی ځایه دی چه باید حاکم قوتونه د اوضاعو د بدلون او تحول مننه وکړی او عملا د خلکو د حقوقو او دموکرانیکو آزادیو احترام وکاندی او «د اتباعو حقوق او آزادۍ په وحشیانه اعمالو تحقیر نکړی، تر څو د بشریت روح سرکشی ون کاندی.»

نور

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره سی‌ویکم
دوشنبه
۲۲ میزان ۱۳۴۷
۱۴ اکتبر ۱۹۶۸

په کندهار کی د شهیدانو

د زیارایستونکو زمنو تور سرنوشت

د کندهار په ښارکی د شهیدانو خلی ته نژدی چه په افغانستان کی یی دستور وطنی هدفونو لپاره ځان قربان کړیدی، روز مزدوران (د همغو شهیدانو زمن) را ټولیژی ، او همدلته دمانیو خاوندان او نور معمولی مالکان پدی مزدورانو پسی راځی. هغوی د مزدورانو په انتخاب کی یوه خاصه طریقه لری او هغه داده چی دا ښاغلی منتظرو مزدورانو په متو لاس را تیروی او هغه مزدوران ټاکی چه پاوړی او مضبوطی متی ولری.

بد مرغی‌مزدوران (دوطن شهیدانو زمن) همدا کوشش کوی او هغه قانع کاندی چه دوی پیاوړی او دکار وړ متی لری، خو له دی کبله چه د مزدورانو د عرضی سره برابره تقاضا نشته، تر هغه بد مرغ مزدوران چه پر بړی متی نلری اکثر وخت دکار له پیداکولو نه محرومیژی.

کله لا داسی هم کیژی چه په نیمایی ورځکی دکار خاوند په دیره بده وضعه مزدور ته ځواب ورکړی او دکمزوری‌په پلمه یی وشړی.

دمزدورانو ځورونکی منظره چه دکار پیدا کولو لپاره دمشتری په مقابل کی ځان پاوړی پیاوړی کوی، د مترقی انسانانو لپاره د تحمل وړ نده.

کله چه همدلته دشهیدانو ترمخ یوه ډله وطنپال اوشریف مزدوران د نړیو متودلرلو په گناه، له کاره پاتی شی، نو دا شریف بچیان د تحقیر او نامیندی

وروستی پړاوته ورسیږی او داسی له غمه ډکی صحی را پیدا شی چه حکم کوی باید له اوسنیو اجتماعی شرایطو سره چه د توری او بیرحمی ته ارتجاع زیږنددی نه پخلا کیدونکی مبارزی ته د قاطع بری تر پولی پوری دوام ور کړی.

آخر دا مزدوران دچا زمن دی؟ زموږ دخلکو، هیواد دساتندیو او قهرمانو خلکو! دوی دی چه وطن ساتی او دوی دی چه دلوږی او فقر په بیه ددی نورو لپاره دشکلی ژوند وساتل برابر وی دوی باید له دی سپکی وضعی نه خلاص شی.

نور



پس از پایـان دوره ۱۲ پارلمـان افغانستـان در سپتـامبر ۱۹۶۹ رفیـق "نور" بـه عنوان کارمند حرفـه‌ای حزب در امور تشـکیلاتی و مسئول تشـکیلات بـه فعـالیت حزبـی‌اش ادامـه مـی‌دهد.



پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان
شماره بیست‌وهفتم
سال دوم
شماره مسلسل ۷۹
دوشنبه
۲۱ میزان ۱۳۴۸
۱۳ اکتبر ۱۹۶۹

بازهم اعتراف بوضع نابسامان

اقتصادی کشور

شاغلی دوکتور عبدالصمد حامد در جریان روزهای "جشن استقلال" کشور بیانیه‌یی ایراد نمود که در آن شیوهٔ "هوشیارانه" خاصی بکار برده شده است تا هموطنان ما معتقد گردند که گویا حکومت در جریان یکسال کارهای فوق‌العاده و خارق‌العادهئی را در زمینهٔ رشد اقتصادی کشور انجام داده است. نخست اعترافات سال گذشته درباره رکود اقتصادی کشور در بیانیه تکرار و سپس یک سلسله اعداد و ارقام به‌صورت فیصدی‌ها طوری ارائه شده است که با ملاحظهٔ آن خواننده نتیجه‌گیری نماید که گویا نواقص گذشته ظرف یکسال رفع و کارهای بزرگی در جهت رشد و تکامل اقتصادی جامعه عقب‌مانده ما انجام گردیده باشد ولی از آن‌جائیکه واقعیت موجود با آنچه ادعا میگردد، تناقض صریح دارد، بنا بر آن مشکل است آن چنان ذهنیتی را که در این زمینه مطلوب حکومت است، در مردم بوجود آورد.

در آغاز بیانیه شاغلی وزیر پلان اعترافاتی که در سال گذشته از طرف حکومت به عمل آمده بود جمع‌بندی شده است که مقصد از آن اینست: حکومت مواجه به یک معضله اقتصادی بوده و در کشور رکود اقتصادی حکمفرماست، امکان به دست آوردن قروض خارجی با شرایط مساعد و استقراض از بانک مرکزی محدود می‌باشد، تناسب افزایش در عاید ملی با

مقایسـه افزایش نـفوس و استفـاده از عـاید ملـی به منظور سرمایـه‌گذاری دولت بـه مقایسـه کشورهـای مشـابه افغانستـان و بـه تنـاسب ضرورت رشد اقتصادی کشور فوق‌العـاده نـاچیز است.

نخست بـاید این مسـأله را روشن سـاخت کـه تنهـا اعتراف بـه نواقص نمی‌تواند کاری را از پیش برد. تشخیص نواقص و اعتراف بدان به معنی حل معضلات نـه، بلکـه آغـاز کاریست کـه بـاید تعقیب گردد و برای رفـع آنهـا فعالیت‌هـای جدی، مستمر و بـاثمر، باستفـادهٔ وسیـع از امکانـات موجود صورت گیرد.

ولـی در اظهـارات رسمـی حـکومت مـی‌توان متوجـه این نکته گردید که سـعی بـه عمل مـی‌آید مردم متقـاعد گردند کـه گویـا نواقص در کار حکومت یک امر طبیعـی است، چنانچـه بدان اعتراف مـی‌گردد، امـا امکانـات برای رفـع آنهـا محدود می‌بـاشد و آنچـه هم انجـام مـی‌گیرد نتیجـهٔ کار و فعـالیت شبـاروزی و خستگی‌نـاپذیر(!) دستـگاه اداره حـکومت افغانستـان می‌باشد. در بیانیه شـاغلی حـامد وزیر پلان نیز مسـأله چنین طرح گردیده است کـه اولاً نواقص کار شمرده شده و سپس سـعی بـه عمل آمده تـا ثـابت گردد کـه تـا سـال گذشتـه حـکومت مواجـه بـه مـعضلات بزرگـی اقتصـادی بود، ولـی در جریـان یـک سـال این مـعضلات تـا حدود زیـادی رفـع گردیده است. برای اثبـات این مدعـا در بیانیـه اعداد و ارقامـی بـه‌صورت فیصدهـا کـه افزایش فوق‌العـاده را بـا مقایسـه بـه گذشتـه نشـان مـی‌دهد ارائـه شده بدون اینکـه ارقـام اولـی کـه پایـه سنجش این فیصدی‌هـاست ارائـه گردد. هدف معـلوم است، برای اینکـه ارقـام اولـی فوق‌العـاده نـاچیز می‌بـاشد و طبیعـی است کـه حداقل افزایش بـا مقایسـه ارقـام قبلـی کـه بسیـار نـاچیز هم بـاشد بصورت فیصدی بزرگ جلوه مینمـاید.

شـاغلی وزیر پلان بـا ارائـه چنین فیصدی‌هـا و نتیجه‌گیری‌هـای دور از واقـع بر اسـاس آنهـا در بیانیـهٔ خویش مدعـی مـی‌گردد که "...تـا حدی در رفع رکود اقتصـادی کـه بـه آن مواجـه بودیم موفـقیت نصیب خواهد شد." درینجـا سوالـی بـه وجود مـی‌آید کـه اگر حـکومت بـه رکود اقتصـادی مواجـه بود (در گذشتـه) یعنـی اکنون (در حـال) نیست، پس چـه ضرورت کـه گفتـه شود "موفقیت

نصیب خواهد شد" (در آینده)؟ برای اینکه حقایق در لابلای الفاظ پوشانیده شود حتی محل استعمال ماضی، حال و استقبال در جملات بیانیه بدرستی مراعات نگردیده است.

واقعیت سرسخت موجود در جامعه حکم می‌نماید که هنوز رکود کامل نه تنها در اقتصاد فوق‌العاده ناتوان کشور حکمفرماست، بلکه روز تا روز حالت بحرانی پیدا مینماید. در قبال این واقعیات شاغلی وزیر پلان نیز ناگزیر است پس از ادعاهای فراوان در مورد "ازدیاد سطح تولیدات ملی و ازدیاد در عاید ملی ..." اعتراف نماید که: "... به صورت مشخص تولید زغال‌سنگ و لاجورد کمتر است، در تولید انرژی مخصوصاً توزیع آن بنا بر یک سلسله عوامل تخنیکی کدام تغییر قابل‌ملاحظه صورت نگرفته ..." "سمنت نسبت باینکه سال گذشته در اثر عدم امکان فروش ذخایر زیاد باقی مانده بود در سال ۱۳۴۷ نسبتا کمتر تولید شد ... فابریکه سمنت جبل‌السراج متأسفانه هنوز به تولید مجدد آغاز نکرده"، "... تولید نساجی نخی بنا بر کمی مواد خام ماحصل سال ۱۳۴۶ و پاره عوامل اجتماعی در سال ۱۳۴۷ (بیست‌وپنج فیصد) کمتر شده ..." تولید شکر کمتر قناعت‌بخش بوده و تقریبا ۲۵ فیصد تنقیص در آن رخ داده است، اگر تجدیدنظر اساسی در تدویر آن نشود سال آینده نیز بهبود در تولید شکر متصور نخواهد بود."

این اعترافات در زمینه وضع نامساعد عمده‌ترین اقلام تولیدات معدنی و صنعتی کشور که ستون فقرات صنایع فوق‌العاده ضعیف و کمرشد افغانستان را در وضع کنونی تشکیل میدهد خود بر رد ادعاهای مبنی بر "ازدیاد سطح تولیدات ملی" در ظرف سال گذشته و "رفع رکود اقتصادی" حکم می‌نماید.

آنچه مسلم است اینکه افغانستان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی فوق‌العاده عقب مانده و آهنگ رشد اقتصادی آن به نحو وحشتناکی کند است که هر گاه وضع بدین منوال ادامه یابد، نمی‌توان انتظار داشت طی سالیان زیادی حداقل رشد اقتصادی نصیب جامعهٔ ما و خلق افغانستان گردد، مگر اینکه با سرعت و صحت ممکنه نظام اقتصادی - اجتماعی نوین و مترقی جایگزین نظام اقتصادی - اجتماعی فرتوت کنونی گردد.

نوراحمد (وکیل دوره دوازدهم ولسی‌جرگه)


kabulnath.de





رفیق "نور" در نوامبر ۱۹۷۵ به عنوان عضو دفتر سیاسی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، منتخب کنفرانس حزبی جناح "پرچم" بعد از انشعاب انتخاب می‌شود.



رفیق "نور" در امضاء سند کنفرانس وحدت که در ۳ ژوئیه ۱۹۷۷ ازسوی ۹۰ نفر از رهبران و فعالان سیاسی هر دو فراکسیون "خلق" و "پرچم" در شهر "کابل" و در منزل "زمان کریم‌زاده" امضاء و تصویب می‌شود، شرکت می‌کند و با تشکیل پلنوم کمیته‌مرکزی جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان به عنوان عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته‌مرکزی جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان، منتخب کنفرانس وحدت هر دو جناح "خلق" و "پرچم" انتخاب می‌شود.



در سال ۱۹۷۷ رفیق "نور" و بانو "شمیم شفیعی" با هم‌دیگر ازدواج می‌کنند و دارای یک فرزند دختر و دو فرزند پسر می‌گردند.

مراسم تدفین میراکبر خیبر ۱۸ آوریل ۱۹۷۸





مراسم تدفین میراکبر خیبر ۱۸ آوریل ۱۹۷۸





بـا قیـام نظامـی در ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ یـک "شورای نظامـی" ایجـاد می‌شود که در ۲۹ آوریل خود را در کمیته‌مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان ادغام می‌کند و بدین ترتیب "شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان" شکل مـی‌گیرد و رفیـق "نور" بـه عنوان عضو کمیتـه‌مرکزی حزب دموکراتیـک خلـق افغانستان، شـامل "شورای انقلابـی" نیز مـی‌گردد.

رفیـق "نور" در اول مـی ۱۹۷۸ بـه عنوان وزیر داخلـه تـعیین گشتـه و در ۵ مـی همـان سـال آغاز بـه کار مـی‌کند.

تبعید اول

به علت تضادهای درون‌حکومتی، در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ رفیق "نور" از مقام وزارت خلع شده و به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده جمهوری دمکراتیک افغانستان در آمریکا تعیین می‌گردد و به همین خاطر جهت آشنائی با اسناد و سوابق امور سفارت افغانستان در آمریکا به وزارت خارجه افغانستان معرفی می‌گردد. رفیق "نور" در ۵ ژوئیه ۱۹۷۸ به آمریکا می‌رود ولی در ماه اوت همین سال از سوی رژیم حاکم بر افغانستان از مقام سفارت هم عزل می‌گردد و از وی خواسته می‌شود که به افغانستان بازگردد.

اما رفیق "نور" به افغانستان بازنمی‌گردد و در ۵ سپتامبر ۱۹۷۸ آمریکا را ترک کرده و مخفیانه در اروپا زندگی می‌کند تا این که در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان بازمی‌گردد.



شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ رفیق "نور" را به عنوان عضو هیئت‌رئیسه شورای انقلابی انتخاب می‌کند.



پانزدهمین سال‌روز تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان

اول ژانویه ۱۹۸۰

در نخستین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که ساعت ۵ بعدازظهر ۱۰ ژانویه ۱۹۸۰ در تالار عمارت "چهل‌ستون" به ریاست "ببرک کارمل" تشکیل می‌گردد رفیق "نور" به عنوان عضو اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی، عضو شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و نهایتن عضو هیئت‌رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان انتخاب می‌شود.



دیدار با هیئت جمهوری خلق کنگو برازاویل ۱۱ فوریه ۱۹۸۰



مراسم افتتاح نخستین کنفرانس زراعتی در قصر دل‌گشا ۲۷ فوریه ۱۹۸۰



مشایعت آناهیتا راتبزاد در سفر به چکسلواکی

و جمهوری دموکراتیک آلمان ۲۹ فوریه ۱۹۸۰



استقبال آناهیتا راتبزاد در بازگشت از سفر چکسلواکی

و جمهوری دموکراتیک آلمان ۲۳ مارس ۱۹۸۰



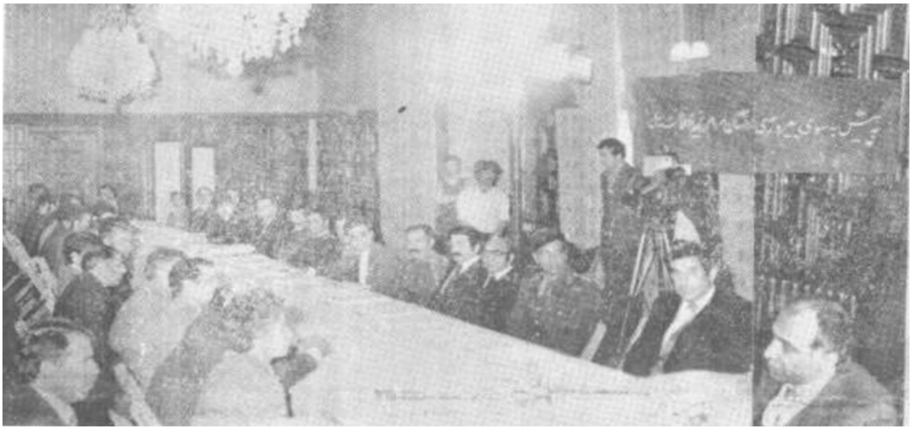
مشایعت خان عبدالغفار خان در فرودگاه کابل ۲۶ مارس ۱۹۸۰



مشایعت اسلم وطنجار در سفر به شوروی ۳ آوریل ۱۹۸۰



مشایعت عبدالرشید آرین در سفر به چکسلواکی ۱۰ آوریل ۱۹۸۰



دومین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در مقر شورای انقلابی ۱۳ آوریل ۱۹۸۰

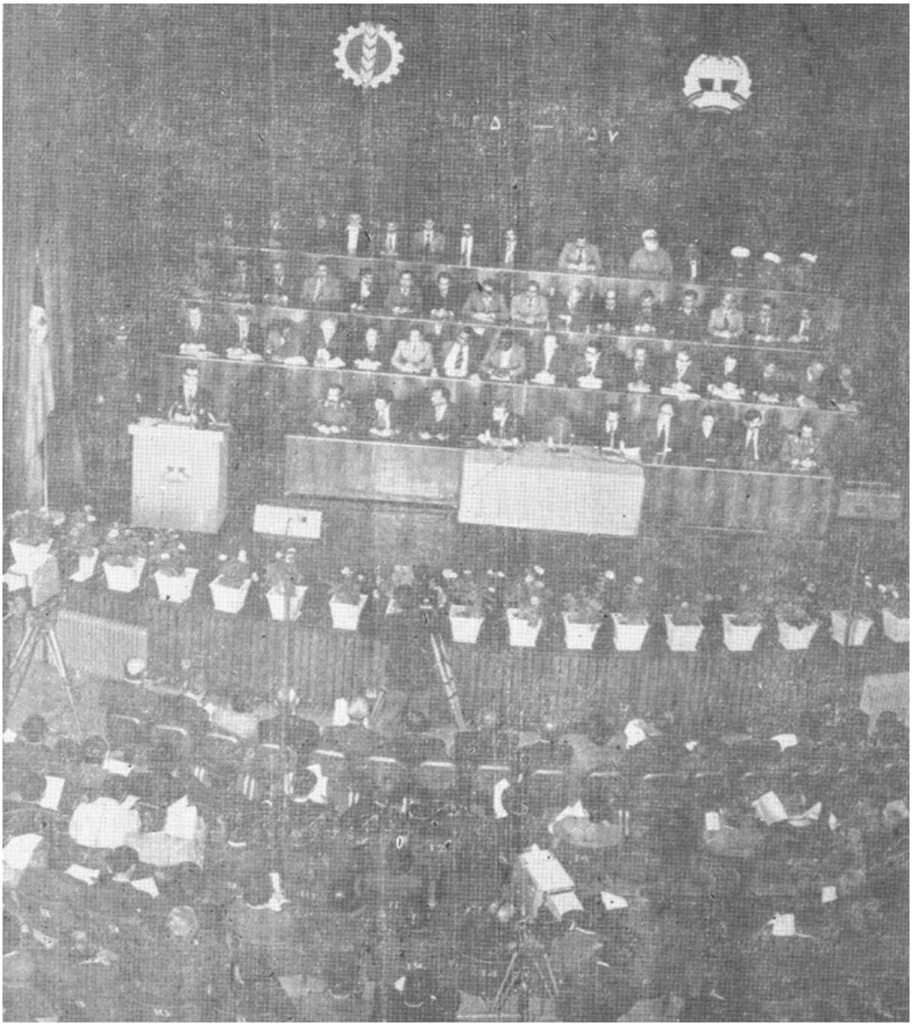


جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱۴ آوریل ۱۹۸۰





یک‌صدودهمین سال‌روز تولد لنین در قصر دل‌گشا ۱۵ آوریل ۱۹۸۰



دومین سال‌روز "۷ ثور" ۲۶ آوریل ۱۹۸۰



افتتاح نخستین کنگره معلمان افغانستان ۲۴ مه ۱۹۸۰



اختتام نخستین کنگره معلمان افغانستان ۲۶ مه ۱۹۸۰



جلسه فعالین و کادرهای کمیته‌های شهر و ولایت کابل و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در جهت تائید و تطبیق مصوبات پلنوم دوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در قصر سلام‌خانه ارگ

۲۹ مه ۱۹۸۰



مشایعت آناهیتا راتب‌زاد در سفر به وارسا ۱۱ ژوئن ۱۹۸۰



بازدید از کتاب‌خانه حزبی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته‌مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس از افتتاح کتاب‌خانه ۱۴ ژوئن ۱۹۸۰



مشایعت اسداله سروری در سفر به شوروی ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰



مشایعت هیئت‌های سیاسی بلغارستان و ویتنام ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰



سمینار فرماندهان سیاسی و نظامی ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰



اختتام گردهم‌آئی سازمان همبسته‌گی خلق‌های آفریقا - آسیا با انقلاب
افغانستان در تالار سلام‌خانه ارگ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۰



نخستین کنفرانس سرتاسری روحانیون ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰





نخستین کنفرانس سرتاسری روحانیون ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰



کنفرانس ارتقاء موثریت و فعالیت وزارت‌خانه‌ها، ادارات و موسسات دولتی
در تالار سلام‌خانه ارگ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۰



استقبال خان عبدالغفار خان در مراجعت از دهلی ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۰



سومین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۳ ژوئیه ۱۹۸۰



جلسه فعالین حزبی شهر و ولایت کابل ۵ اوت ۱۹۸۰



درج تبریک شصت‌ویک‌مین سال‌روز استرداد استقلال افغانستان

۱۹ اوت ۱۹۸۰





دومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰





دومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰





نخستین کنفرانس سرتاسری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰



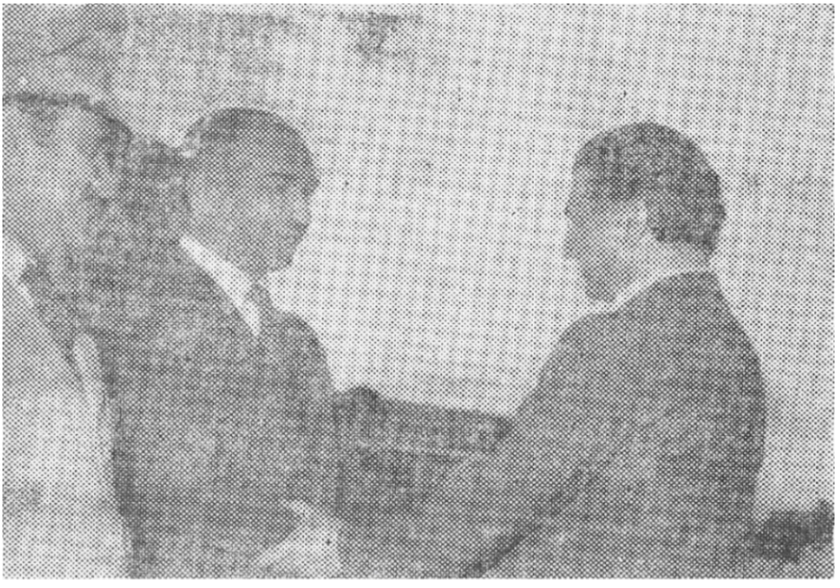


نخستین کنفرانس سرتاسری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

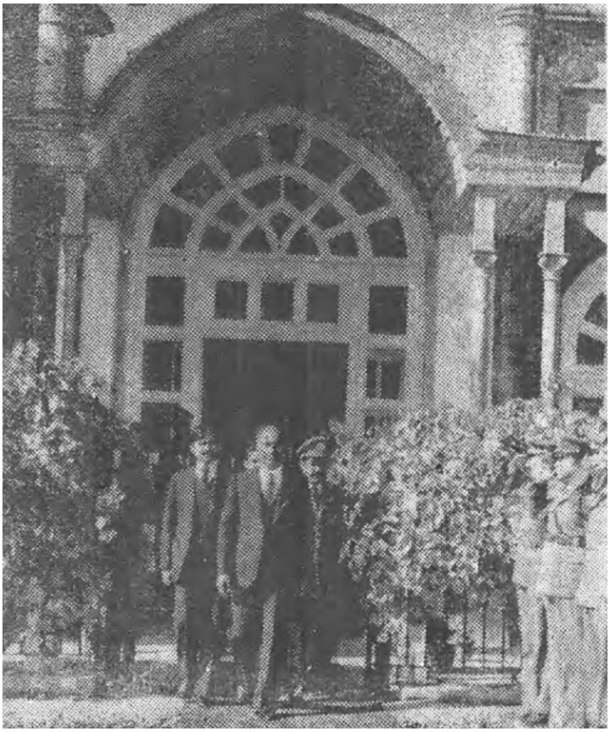
۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰



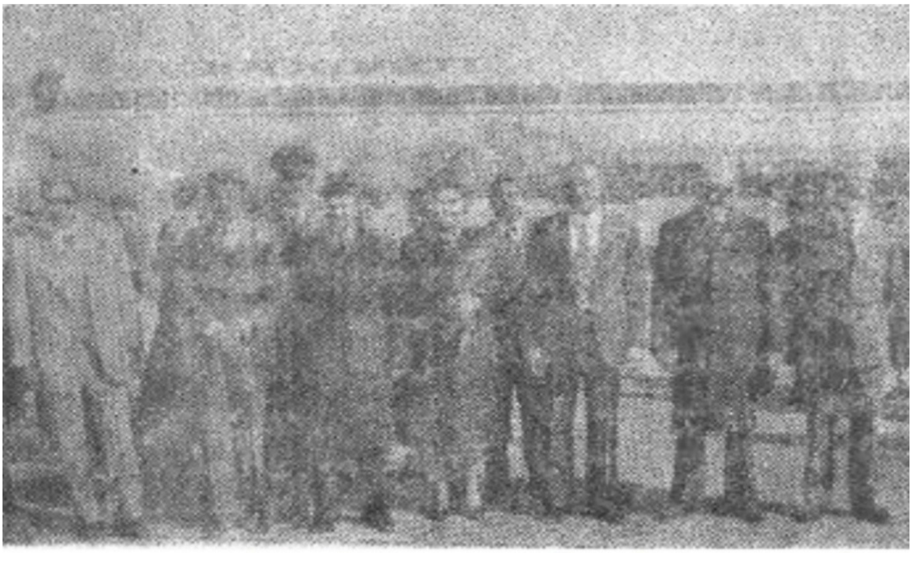
افتتاح مجدد موزه ملی افغانستان ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰



مشایعت ببرک کارمل در سفر به شوروی ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰



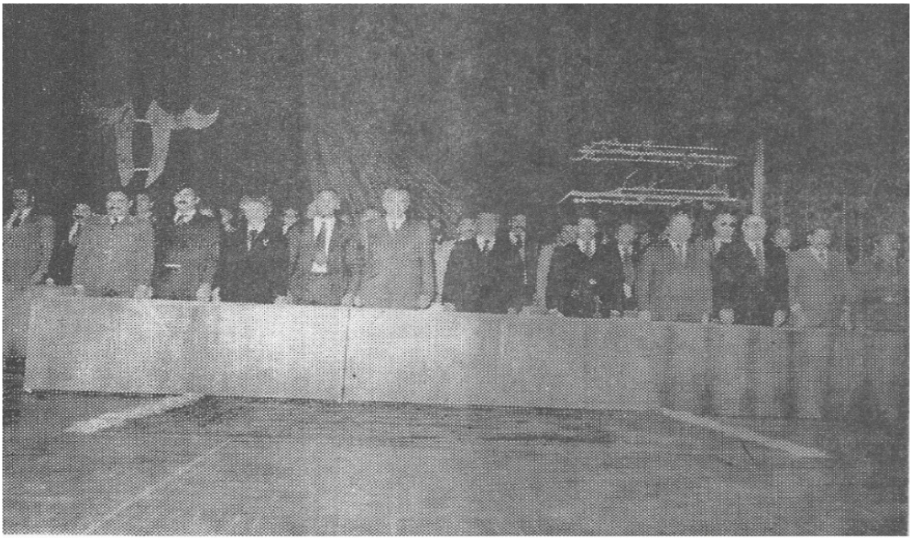
پس از نماز عید قربان ۲۰ اکتبر ۱۹۸۰



استقبال همراهان ببرک کارمل در بازگشت از شوروی ۲۵ اکتبر ۱۹۸۰



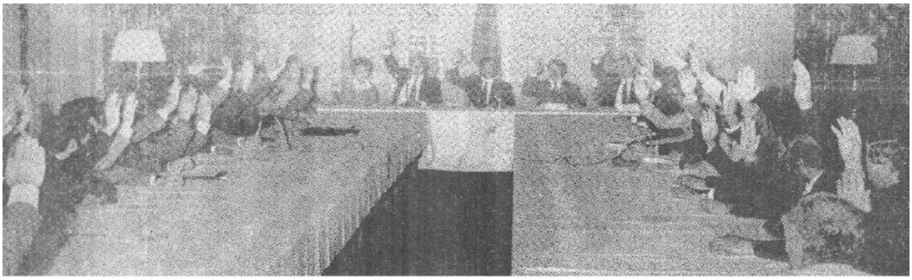
استقبال سلطان‌علی کشت‌مند و محمود بریالی در بازگشت از کنفرانس علمی بین‌المللی تحت عنوان مبارزه مشترک طبقه کارگر بین‌المللی و نهضت‌های رهائی‌بخش ملی علیه امپریالیزم و به خاطر ترقی اجتماعی در جمهوری دمکراتیک آلمان اول نوامبر ۱۹۸۰



سال‌روز انقلاب اکتبر شوروی ۶ نوامبر ۱۹۸۰



افتتاح موزه لنین در وزارت امور خارجه افغانستان ۷ نوامبر ۱۹۸۰



چهارمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۱ نوامبر ۱۹۸۰



به دعوت کمیته‌مرکزی حزب کمونیست بلغاریا، رفیق "نور" در راس یک هیئت حزبی در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۰ عازم صوفیه پایتخت بلغاریا می‌شود.



سمینار مشورتی روسای ارگان‌های محلی دولتی در قصر دل‌گشا

۳ دسامبر ۱۹۸۰



کنفرانس نیروهای ملی و وطن‌پرست افغانستان ۲۷ دسامبر ۱۹۸۰











نخستین سمینار آموزشی مسئولین کنترل حزبی ولایت، شهر و نواحی کابل

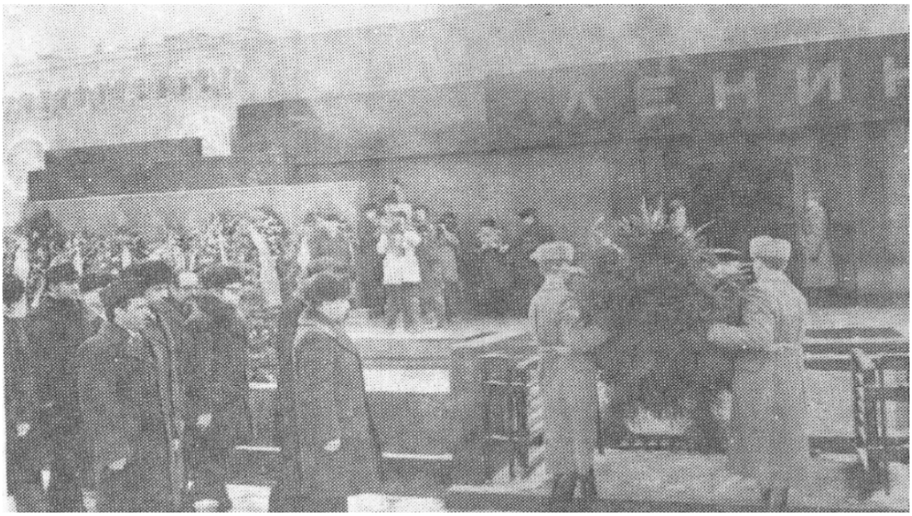
۲۹ ژانویه ۱۹۸۱



سفر به شوروی ۱۸ فوریه ۱۹۸۱



فرودگاه مسکو ۱۸ فوریه ۱۹۸۱



مقابل آرامگاه لنین ۱۹ فوریه ۱۹۸۱



شصت‌وسومین سال‌روز امضاء معاهده دوستی افغانستان و شوروی

در خانه دوستی در مسکو ۲۷ فوریه ۱۹۸۱

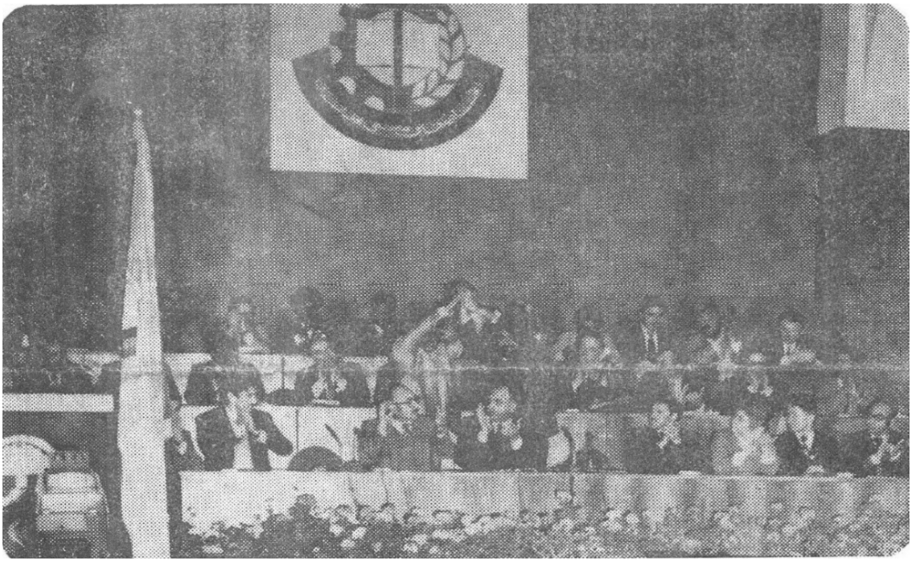


آکادمی علوم اجتماعی کمیته‌مرکزی حزب کمونیست شوروی در مسکو

۲ مارس ۱۹۸۱



نخستین کنگره اتحادیه‌های صنفی ۷ مارس ۱۹۸۱



اختتام نخستین کنگره اتحادیه‌های صنفی ۸ مارس ۱۹۸۱

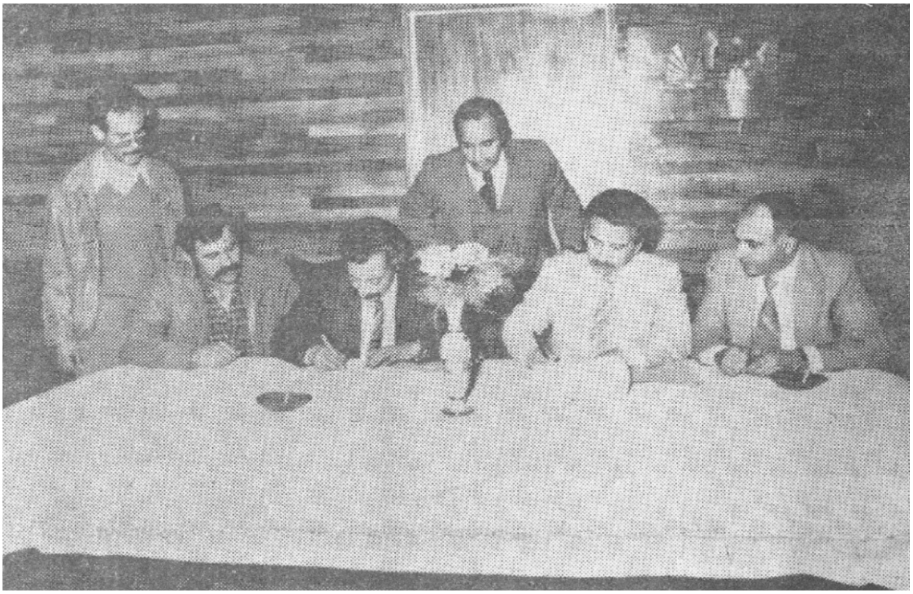


پنجمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۸ مارس ۱۹۸۱



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱۹ مارس ۱۹۸۱



امضاء اعلامیه مشترک حزب دموکراتیک خلق افغانستان

و جبهه خلق برای آزادی فلسطین ۲۸ مارس ۱۹۸۱



دومین سمینار مسئولین تشکیلاتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۳۱ مارس ۱۹۸۱

حقیقت انقلاب ثور
ارگان کمیته‌مرکزی حزب دموکرتیک خلق أفغانستان
شماره نودوسه
یکشنبه
۱۶ حمل ۱۳۶۰
۵ اپریل ۱۹۸۱

بیانیه

در دومین سیمینار مسوولین تشکیلاتی ح.د.خ. افغانستان

سه‌شنبه ۱۱ حمل ۱۳۶۰

۳۱ مارچ ۱۹۸۱

رفقا، سیمینار شما در زمانی دایر میگردد که اخیراً هیأت عالیرتبه حزبی ح.د.خ.ا. تحت رهبری رفیق ببرک کارمل منشی‌عمومی کمیته‌مرکزی حزب، رئیس شورای‌انقلابی و صدراعظم ج.د.ا. بعد از شرکت در بیست‌وششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به وطن بازگشت. این موضوع و سایر مسایل مبرم تکامل بعدی انقلاب ما و نوسازی جامعه در پنجمین پلینوم نوبتی کمیته‌مرکزی که چندی قبل دایر شده بود مورد بحث قرار گرفت.

شرکت در کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و استقبال پرشور نمایندگان کنگره از هیأت حزبی ما مظهر درخشان اعتلای پرستیژ بین‌المللی ح.د.خ.ا. و جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد.

هیأت در همه جا با صمیمانه‌ترین عواطف و احساسات پشتیبانی و همبستگی انسان شوروی نسبت به انقلاب و مردم افغانستان سربلند، مستقل و انقلابی مواجه گردید. این امر در واقع جواب دندان‌شکن به رجزخوانی‌های بیشرمانه و دروغ‌پراکنی‌های خاینانه محافل ارتجاع بین‌المللی بر علیه انقلاب، وطن و مردم کشور ما دانسته می‌شود.

صحیح‌ترین پاسخ ما در برابر پشتیبانی همه‌جانبه و بیدریغ بشریت مترقی و در راس اتحاد شوروی بزرگ نسبت به انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین تکاملی آن باید تشدید فعالیت در جهت تحکیم بازهم بیشتر وحدت ارگانیک حزب باشد. به این منظور باید با گذشته‌های بچگانه وداع گفت، زیرا این امر بخاطر حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی ما که تمام بشریت مترقی و زحمتکش در دفاع از آن برخاسته است بی‌نهایت مهم است.

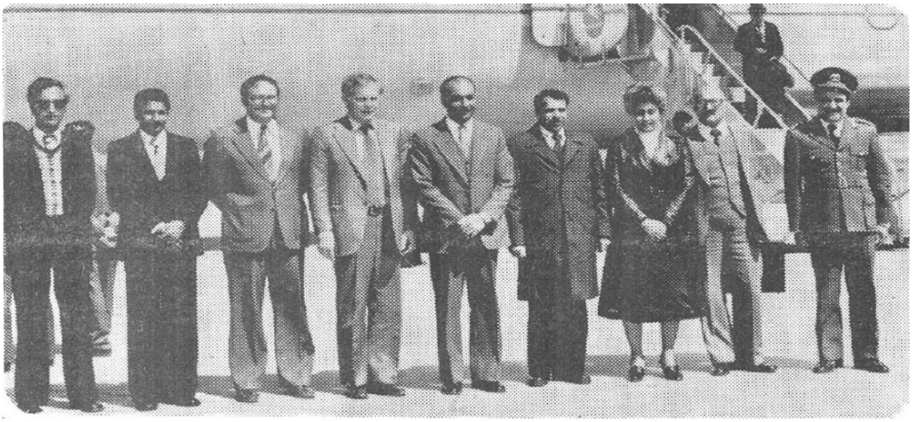
پنجمین پلینوم نوبتی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا. وظایف مهمی را در برابر کلیه سازمانها و اعضای حزب قرار داده است که اجرای آنها مستلزم سعی و تلاش فراوان از جانب هر عضو حزب میباشد. شک نیست که دشمنان انقلاب و سعادت مردم کشور ما دست از توطیه و خرابکاری برنداشته‌اند. آنها به موازات پیشرفتها و کامیابی‌های ما هارتر می‌شوند و با کینه‌توزی صدچندان بیشتر به اعمال جنون‌آمیز دست میزنند. اما اعمال دیوانه‌وار دشمنان ما نشانهٔ قوتمندی آنها نیست، آنها محکوم به شکست قطعی و اضمحلال کامل میباشند، آنها نمی‌توانند به سرنوشت بهتری از سرنوشت دیوانه‌ترین مظهر تجاوز و سلطه‌جویی امپریالیستی که در وجود فاشیزم هتلری تبلور یافته بود دست یابند. در پیکاریکه در پیشروست، پیروزی حتمی از آن ما و تمام پویندگان راه سعادت و خوشبختی انسانهاست.

ما به خاطر نیل به اهدافیکه در برابر خویش قرار داده‌ایم از امکانات وسیع و توانایی عظیمی برخوردار میباشیم. این امر قبل از همه بخاطر آنست که ما بر حق هستیم و به خاطر اهداف عادلانه، شریف و انسانی پیکار می‌کنیم. این اهداف از قدرت جاذبه و تسخیر بی‌نظیری در میان وسیع‌ترین توده‌های مردم برخوردار می‌باشد. هر قدر مردم از اهداف حزب و انقلاب ما بیشتر آگاهی و اطلاع درست حاصل نمایند به همان اندازه به پشتیبانی فعال از آن برمی‌خیزند، ولی بایست اینکار با شکیبایی، تحمل و حوصله‌مندی زیاد صورت بگیرد. غرورقدرت و سرگیچی‌های ناشی از آن نباید ما را به بیراهه کشاند. این امر بی‌نهایت زیان‌آور و حتی هلاکت‌بار بوده میتواند. ما

بـاید از شیوه‌هـای پرانعطـاف و اقناعـی استفـاده نماییم.

نمـی‌شود بـا همـه کس بـا زبـان خشونت صحبت کرد. شـک نیست کـه مـا در برابر دشمنـان وطن و سـعادت مردم خویش بیرحم و آشتی‌نـاپذیر هستیم. ولـی بـاید میـان دشمن و فریب‌خوردگان فرق قـایل شد. باید به آنهاییکه در دام فریب دشمن اسیر مـانده موقـع داد تـا خود را تصحیـح نمـایند و حتـی بـا کار تربیتـی پرحوصلـه بـه آنهـا بـاید کمک رسـانید تا بـه اشتباهـات خویش متوجـه گردند.

رفقـا، مـا بـه خـانواده بهم‌پیوستـه و فشرده پیـگیرترین مبـارزان راه صلـح و دوستـی ملتهـا بـه خـانواده بزرگ و پرافتخار صدیق‌ترین شیفتگان راه سـعادت و خوشبختـی انسـان زحمتـکش تعلـق داریم. این یـک سـعادت بزرگ است. باید قدر آنرا بدانیم و دین خود را در برابر آن انجـام بدهیم. حماسـه‌های آنهاییکـه تـا پـای جـان بـه آرمـان سـعادت انسـان وفـادار مـاندند و از پیـکار در راه آن بازنایستـادند الهـام‌بخش و مشـعل راه مـا در اجرای وظایف سترگ و باعظمتی میبـاشد کـه انـقلاب، وطن و مردم در برابر مـا قرار داده است.



استقبال صالح‌محمد زیری در بازگشت از بلغاریا ۸ آوریل ۱۹۸۱



بـه دعوت کمیتـه‌مرکزی حزب سوسیـالیست متحده آلمـان، جـهت اشتراک در دهمین کنـگره این حزب، رفیـق "نور" در راس یـک هیئت حزبی در ۸ آوریل ۱۹۸۱ عـازم برلین پـایتخت جمـهوری دموکراتیـک آلمـان می‌شود.



جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۲۶ آوریل ۱۹۸۱



سومین سال‌روز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۱



ارائه پیام کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مراسم

روز کارگر اول مه ۱۹۸۱



بازدید از نمایشگاه تسلیحات ۱۱ مه ۱۹۸۱



جرگه سران اقوام و شخصیت‌های اجتماعی ۲۰ مه ۱۹۸۱

رفیق "نور" جـهت شرکت در هجدهمین کنـگره حزب انقلابی مردم مغولستان در ۲۳ مه ۱۹۸۱ در راس هیئتی عازم شـهر "اولان باتار Ulaanbaatar" پـایتخت مغولستــان مــی‌شود و در ۳۰ مـاه مه به افغانستــان بازمی‌گردد.

جلسـه فوق‌العـاده شورای انقلابـی جمـهوری دموکراتیـک افغانستــان در ۱۱ ژوئن ۱۹۸۱ در مقر شورای انقلابـی در قصر گل‌خانـه، رفیق "نور" را بـه عنوان معـاون رئیس شورای انقلابـی انتخـاب مـی‌کند.



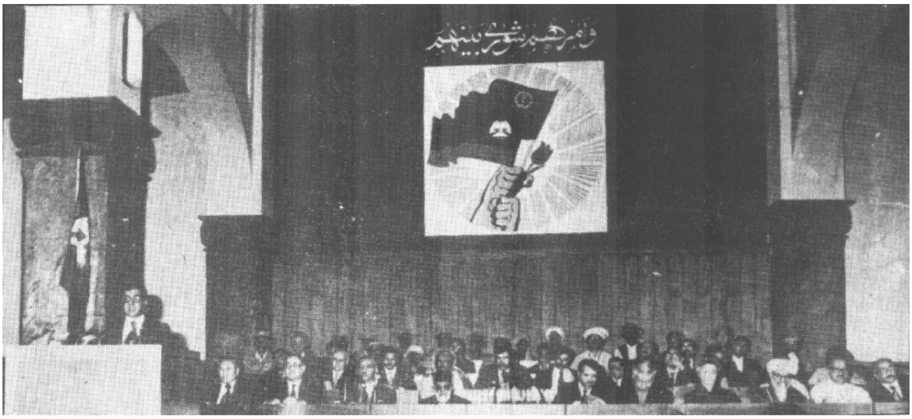


کمیسیون عالی تدارک کنگره موسس جبهه ملی پدروطن ۹ ژوئن ۱۹۸۱



کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱





کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱





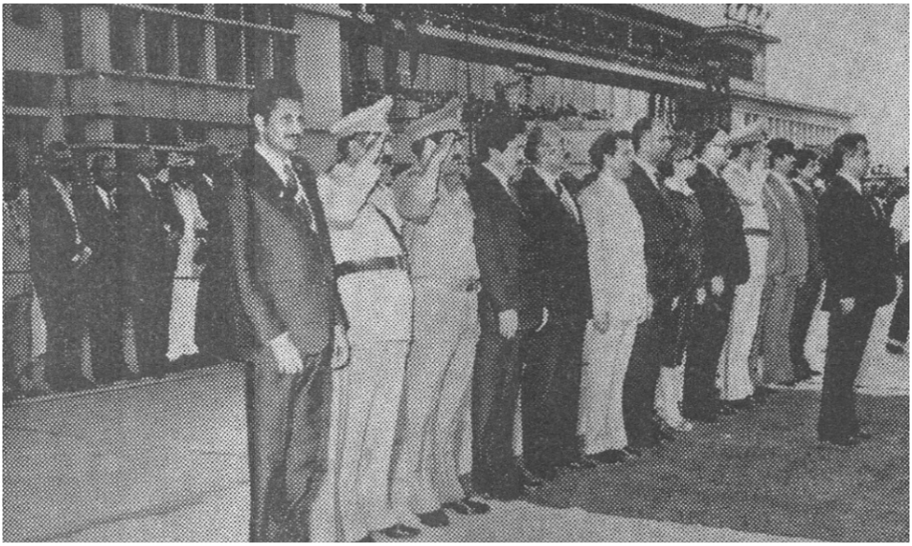
کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱



سخن‌رانی در جلسه نماینده‌گان روشن‌فکران ایجادگر ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱



استقبال هیئت عالی‌رتبه حزبی در بازگشت از چکسلواکی ۳۰ ژوئن ۱۹۸۱



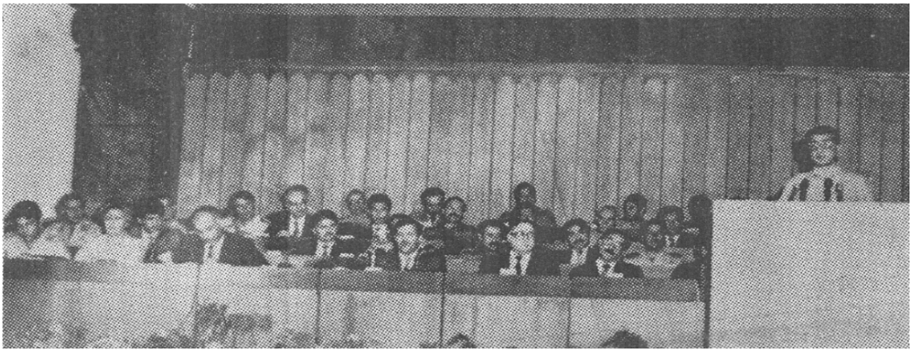
استقبال ببرک کارمل در بازگشت از چکسلواکی و شوروی

۲۸ ژوئیه ۱۹۸۱

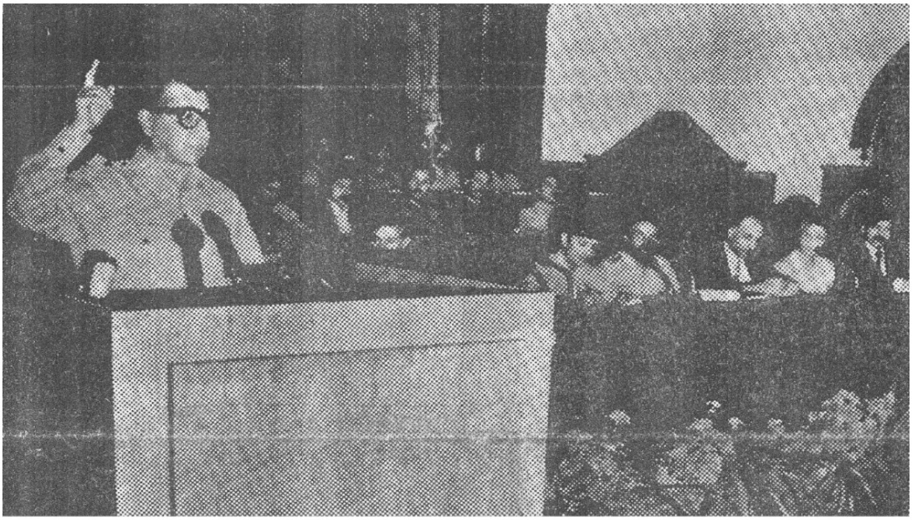


سخن‌رانی در افتتاح اولین سمینار دفاع و عدل در محل کمیته‌مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۱۳ اوت ۱۹۸۱



جلسه فعالین حزبی قوای مسلح افغانستان ۱۶ اوت ۱۹۸۱



اولین جلسه کادرها و فعالین سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

در قوای مسلح افغانستان ۸ سپتامبر ۱۹۸۱



جلسه فعالین حزبی زون جنوب در شهر قندهار ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱



جلسه فعالین کابل سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ۲ اکتبر ۱۹۸۱



دیدار با میلادین نیکولوف میلادینوف، سفیرکبیر جمهوری مردم بلغاریا
در محل سفارت در کابل به مناسبت هزاروصدومین سال‌گرد تاسیس دولت
بلغاریا ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱



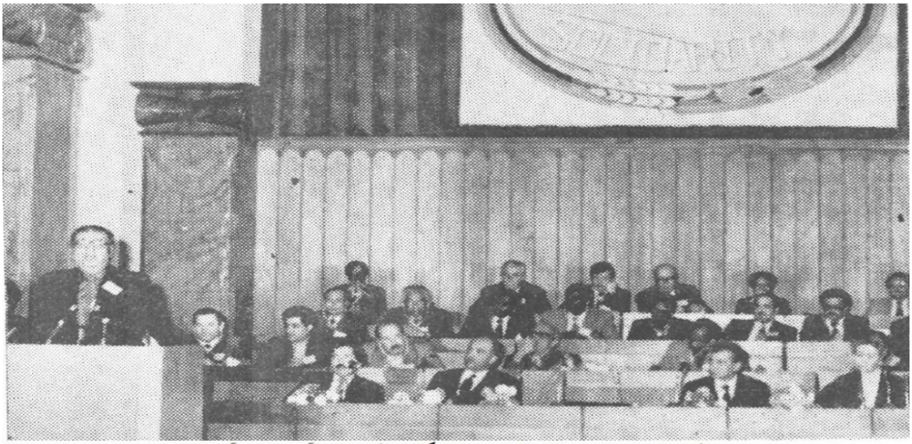
سومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی در لیسه امانی در کابل

۲۱ اکتبر ۱۹۸۱



دهمین اجلاس هیئت‌رئیسه سازمان همبسته‌گی خلق‌های آفریقا - آسیا در کابل

۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



سخن‌رانی نوری عبدالرزاق رئیس سازمان همبسته‌گی خلق‌های آفریقا - آسیا
در دهمین اجلاس هیئت‌رئیسه این سازمان در کابل ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



اختتام دهمین اجلاس هیئت‌رئیسه سازمان هم‌بسته‌گی خلق‌های آفریقا - آسیا
در کابل ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



مشایعت ببرک کارمل در سفر به بلغاریا ۱۵ دسامبر ۱۹۸۱



اولین کنفرانس حزبی شهر کابل ۱۸ فوریه ۱۹۸۲



ارائه پیام کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مراسم روز زن

۷ مارس ۱۹۸۲



هشتمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گل‌خانه ۱۱ مارس ۱۹۸۲



کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در جمنازیوم انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۴ مارس ۱۹۸۲



کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در جمنازیوم انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۴ مارس ۱۹۸۲

رفیق "نور" ریاست جلسه دوم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جمنازیوم انستیتوت پولی‌تخنیک شهر "کابل" در ۱۴ مارس ۱۹۸۲ را به عهده می‌گیرد.

حقیقت انقلاب ثور
ارگان کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
شماره دوصدو چهل‌ویک
۳ حمل ۱۳۶۱
۲۳ مارچ ۱۹۸۲

بیانیه

در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۴ حوت ۱۳۶۰

۱۵ مارچ ۱۹۸۲



رفقا، نمایندگان محترم!

کنفرانس سرتاسری حزب که بررسی و تصویب برنامه‌عمل در آن مقام خاصی را در فعالیت انقلابی حزب دموکراتیک خلق افغانستان احراز کرده بمثابه حادثه برجسته در تکامل حزب، جامعه و دولت ما درج تاریخ خواهد گردید.

گزارش رفیق ببرک کارمل به کنفرانس و برنامه‌عمل راه‌های درخشان ونجیبانه رشد و تکامل هر چه بیشتر، ترقی انقلابی، تحولات تنظیم‌شده اجتماعی، اقتصادی، تحکیم سیستم سیاسی جامعه و خود حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مثابه پیش‌آهنگ شناخته‌شده آن همه‌جانبه به اثبات رسانیده و توضیح مینماید.

قوانین و نورم‌های که حزب بر شالوده آن استوار است و اشکال سازمانی که بر مبنای آن فعالیت مینماید همیشه از شرایط تاریخی مشخص، از مضمون مبارزه انقلابی و فعالیت سازنده حزب بوجود می‌آیند، حزب پیشرو انقلابی می‌آموزد و پراتیک احزاب انقلابی حاکم تایید مینماید که همیشه زمانیکه در برابر حزب مسایل پرمسوولیت جدید عرض‌اندام میکند حزب باید آن اشکال سازمانی قواعد و نورم‌های حیات درونی خویش را مطرح نماید که تامین‌کننده حل مسایلی باشد که در برابر آن قرار میگیرد.

اکنون که در برابر حزب، وظایف پراهمیت سیاسی در زمینه تحقق عملی برنامه‌عمل قرار گرفته است، حل‌وفصل مسایل مطروحه ضروری مستلزم افزایش هر چه بیشتر نقش رهبری‌کننده و جهت‌دهنده حزب در جامعه و دولت میباشد. بدین ارتباط اهمیت قانون اساسی حیات حزب یعنی اساسنامه آن افزایش می‌یابد. بدین مناسبت تمام آنچه که حزب در ساختار تشکیلاتی خود به آن نایل گردیده و آنچه را که زندگی و پراتیک فعالیت ما و وظایفی که در برنامه‌عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان فورمول‌بندی گردیده و در برابر حزب قرار میدهد باید بطور شایسته و کامل در آن انعکاس یابد.

از زمان تصویب اساسنامه موجود در دومین پلینوم کمیته‌مرکزی حزب

دموکراتیـک خلـق افغانستـان تقریبـاً دو سـال مـی‌گذرد.

درین مرحلـه کوتـاه زندگـی درون‌حزبـی، فعـالیت حزب مطابق باین اسـاسنامه عیـار گردیده و امکانـات نیل بـه پیروزی‌هـای معین در تحکیم سـازمانی، رشد و تکامل هر چه بیشتر دموکراسـی درون‌حزبی و بسط و توسـعه روابط حزب دموکراتیـک خلـق افغانستـان با توده‌های زحمتـکش را فراهم آورده است.

در طـی این سـال‌ها هزاران عضو جدید اصلـی و آزمایشـی بـه صـفوف حزب پیوستـه‌اند و تـعداد مجموعـی آنهـا تقریبـاً یـکـونیم مرتبه افزایش یافتـه و تقریباً به شصت‌وسـه هزار نـفر رسیده است.

امروز حزب عبارت ازسـازمان متشـکل با سـاختار تشـکیلاتی منظم در مرکز و محلات میبـاشد، در ولایـات لوی ولسوالی‌هـا، شـهرها، نواحـی، ولسوالی‌هـا و علاقداری‌هـا، سـازمان‌های حزبـی، منطـقوی و در جزوتام‌هـای اردو، ثارندوی و خاد، ریاست‌های امور سیاسـی و شـعبات سیاسـی ایجاد گردیده‌اند. شبکه سـازمان‌های اولیه حزبی در موسسـات، ادارات و سـازمان‌ها با سرعت افزایش می‌یـابد. تـعداد مجموعـی سـازمان‌های اولیه حزبی در طی این سـال‌ها بـه بیش از یـک‌هزاروششصد واحد رشد نموده است.

مـا طـی این مدت بـه بسیـار چیزهـا نایل گردیدیم و مسـایل زیـادی را آموختیم، مـگر زندگـی و وضـع در کشور از مـا تقاضـای بیشتر دارد. در واقـعیت امر حزب دموکراتیـک خلـق افغانستـان توام بـا کسب قدرت مسوولیت بس بزرگ تاریخـی و سیاسـی را بعـهده گرفتـه است. حز ب بـه صـورت کل و هر عضو حزب بـه صـورت انـفرادی بـاید رسـالت عالـی خود را بـا مسوولیت خویش هم‌آهنـگ سـازد و این بـه مفـهوم آنست کـه برای مـا در تمـام عرصـه‌هـا، در عقـاید و نظریـات، گفتـار و عمل، در مناسبـات درون‌حزبـی و برخورد در برابر تمـام فعالیت‌هـای عملـی وحدت بیشتر ضرورت است.

هـکذا برای مـا انضبـاط و تشـکل عالـی امریست مسلم. از آن جـا کـه حزب سرمشـق و نمونـه انضبـاط آگاهانـه و تشکل عالـی میبـاشد و از آن جـا کـه

حزب این مطلب را به ارگان‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی توده‌یی می‌آموزاند، لذا بدون انضباط عالی، حزب واقعاً رهبری‌کننده، نمیتواند وجود داشته باشد. ولی همگان این مطلب را عمیقاً درک ننموده و از آن، به صورت پیگیر پیروی نمی‌نمایند. باید برای هر عضو حزب تحکیم وحدت حزب، استحکام روابط آن با توده‌ها و بر مبنای آن رشد و تکامل و تعمیق انقلاب بمثابه قانون تلقی گردد.

اعضای حزب نباید پاسیف، غیرفعال، بی‌پشتکار و سهل‌انگار باشند. بدین منظور باید در اساسنامه ارتقای عمومی تقاضا نسبت به کار و فعالیت اعضای حزب و اجرای وظایف حزبی انعکاس یابد و اهمیت و مسؤولیت اعضای اصلی و آزمایشی حزب ارتقا یابد.

آنچه گفته آمد مستلزم آن گردید تا پلینوم هفتم کمیته‌مرکزی مصوبه‌یی در مورد داخل‌ساختن موضوعی تحت عنوان (راجع به تعدیلات و تکمیلات در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان) را در اجندای کنفرانس سرتاسری حزب به تصویب رساند.

بعضی پیشنهادات درین زمینه در جلسات و کنفرانس‌های حزبی که قبل از کنفرانس سرتاسری بوقوع پیوسته ارائه گردید. همچنان پیشنهادات زیادی در مورد تعدیل و تکمیل قسمی در اساسنامه از جانب اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، منشی‌ها و سایر کارمندان کمیته‌های حزبی و فعالین حزبی از شعبات سیاسی اردو، ثارندوی و خاد، رهبران سازمان‌های اجتماعی به کمیته‌مرکزی مواصلت نمود.

به صورت عموم، این پیشنهادات در جهت ارتقای نقش و مسوولیت اعضای حزب، بهترساختن ترکیب اجتماعی آن، تحکیم وحدت صفوف و انضباط حزبی، تامین ارتقای فعالیت و ابتکارات سازمان‌های حزبی بوده است.

کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین پیشنهادات توجه جدی اعضای اصلی و آزمایشی حزب ما را در ارتقای نقش حزب در جا معه در

مورد تقویت روابط آن با توده‌ها مشاهده مینماید.

قبل از همه درباره تعریف حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

بجای تعریف مختصر حزب ضرورت توضیح بیشتر درباره حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اهداف و وظایف آن در مرحله کنونی آماده شده است. بدین ارتباط مفید است پاراگراف اول مقدمه اساسنامه تعدیل گردد. در آن پیشنهاد میگردد تا تعریف وسیعتر حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمثابه حزب طراز نوین، عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی و نیروی رهبری‌کننده و جهت‌دهنده جامعه ما که بر اساس اتحاد داوطلبانه نمایندگان پیشرو، آگاه، کارگران، دهقانان، منسوبین قوای مسلح، روشنفکران، پیشه‌وران، کوچیان و سایر زحمتکشان و وطن‌پرستان وطن محبوب ما استوار میباشد، ارائه گردد.

لازم به تذکر است که هدف حزب دموکراتیک خلق افغانستان عبارت ازساختمان جامعه فارغ از بهره‌کشی انسان از انسان که تامین‌کننده ارتقای دایمی سطح عالی زندگی مادی و معنوی مردم بر پایه رشد سریع نیروهای مولده کشور است، می‌باشد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطر نیل باین اهداف، نجیبانه پیوسته پیکار نموده و به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

همچنان پیشنهاد میگردد تا انقلاب ملی، دموکراتیک ثور که به اراده مردم و تحت رهبری حزب رژیم ضدمردمی را سرنگون نمود و قدرت زحمتکشان را در کشور ما مستقر ساخت به مثابه پیروزی تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یابد.

در مقدمه باید بطور خاص خاطرنشان گردد که قانون خدشه‌ناپذیر زندگی پرتحرک حزب دموکراتیک خلق افغانستان همانا وحدت ایدئولوژیک و سازمانی، یکپارچکی رزمجویانه صفوف و رعایت انضباط آگاهانه میباشد. هر نوع مظاهر فرکسیونی و قومی با حزبیت و با بودن در حزب سازگار نیست.

در اخیر این بخش باید علاوه گردد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان نه

بطور مجزا بلکه در صف واحد با جنبش بین‌المللی کارگری و مترقی که حزب ما جزء ترکیبی این جنبش‌ها میباشد، عمل مینماید.

بدین ترتیب مقدمه اساسنامه تعریف کامل و گسترده حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ارائه کرده و وظایف، اهداف و جهات اساسی فعالیت آنرا در مرحله کنونی انقلاب نشان میدهد.

برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که پیش‌آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است مساله بهبود ترکیب اجتماعی حزب بمثابه مساله عمده رشد و تکامل و تحکیم هر چه بیشتر آن همیشه موجود بوده و باقی خواهد ماند.

حزب در طی سال‌های اخیر به منظور رشد صفوف خویش از جمله بهترین نمایندگان مردم و قبل از همه کارگران و دهاقین کارهای زیادی را انجام داده است. سهم آنها در میان اعضای آزمایشی حزب که امسال به حزب پذیرفته شده‌اند سی‌و هشت فیصد را تشکیل میدهد که بمراتب نسبت به سالهای گذشته بیشتر است، ولی تا هنوز در ترکیب حزب صفوف مربوط به کارگران و دهقانان بطور غیرکافی باقی مانده‌است. بدین سبب قانونمند است که اکثریت رفقا پیشنهاد نموده‌اند شرایط پذیرش به عضویت اصلی و آزمایشی حزب برای کارگران، دهقانان و همچنان سربازان اردو، ثارندوی و خاد که قبل از شمولیت به خدمت مکلفیت عسکری، کارگرو یا دهقان بوده‌اند تغییر نماید.

ماهیت پیشنهادات عبارات از آنست که برای این کتگوری‌ها میعاد دوره عضویت آزمایشی تعداد معرفی‌کنندگان و سابقه عضویت معرفی‌کنندگان نسبت به سایر گروپ‌های اجتماعی کمتر باشد.

تعداد معرفی‌کنندگان برای آنها تا دو نفر کاهش یابد. به اعضای حزبی که دارای سابقه حزبی دوسال باشند نه سه سال، صلاحیت معرفی کارگران، دهقانان و سربازانی که قبل از شمولیت به خدمت مکلفیت عسکری کارگر یا دهقان بوده اند ارائه گردد.

برای این کتگوری دوره عضویت آزمایشی شش‌ماهه تعیین گردد.

تحقق عملی این پیشنهادات شرایط بمراتب بهترین را برای گرایش سریع کارگران و دهقانان به حزب مساعد میسازد. این بدون شک به ترکیب اجتماعی حزب تاثیر مثبت وارد کرده، تاثیر آنرا در بین مردم تشدید نموده و روابط آنرا با توده‌ها استحکام می‌بخشد.

پسران و دختران تا سن بیست‌سالگی از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب پذیرفته شوند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان را بمثابه نیروی ذخیره رزمنده و کمک‌کننده مطمئن حزب ارزیابی نموده و می‌نماید. پسران و دختران در سازمان‌های سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان پختگی سیاسی، تجارب کار سازمانی و اجتماعی را کسب نموده احساس مسؤولیت و انضباط را رشد و تحکیم می‌بخشند. در اینجا آنها مکتب پرورش و تربیه مبارزان سیاسی به خاطر امر انقلاب را می‌گذرانند. آنها در تمام عرصه‌های تحولات انقلابی فعالانه شرکت ورزیده و در صفوف مقدم با ضدانقلاب بخاطر تحکیم قدرت مردمی پیکار نموده، در امر انکشاف نیروهای مولده سهم گرفته، تدابیر در زمینه امحای بیسوادی را تحقق بخشیده، آگاهی سیاسی خود را به روحیه تیوری علمی انقلابی، وطن‌پرستی و انترناسیونالیزم رشد و تکامل می‌دهند.

بدین ترتیب پذیرش جوانان تا سن بیست‌سالگی به حزب از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بخاطر بهبود ترکیب کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نظر گرفته شده است.

گروپ دیگر تعدیلات و تکمیلات مربوط به پرابلم‌های تکمیل حیات درون‌حزبی و ساختار تشکیلاتی حزب، افزایش نقش اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تحکیم انضباط حزبی میباشد.

طوری که پراتیک نشان میدهد بعضی از اعضای حزب ماهیت مرکزیت دموکراتیک را به صورت دقیق درک نکرده و مرتکب اعمالی می‌گردند که

مغایر نورم‌های حیات حزبی می‌باشد. بطور اخص در بعضی از جلسات حزبی در جریان تدارک کنفرانس سرتاسری حزب تلاش‌های صورت گرفت تا نظر شخصی خود را در برابر نظر جمعی قرار دهند و صحت تصامیم ارگان‌های مافوق حزبی را تحت شک و تردید قرار داده و از این تصامیم تبعیت نه‌نمایند.

در اینجا مسلما مطلب نه تنها مربوط به عدم‌درک بوده، بلکه مربوط به آنست که عده قلیلی نظیر این رفقا تابیعت از انضباط حزبی را برای خود جدی ندانسته و برای آنها صرفِ نظرِ خودشان حایز اهمیت بوده و در حقیقت با استفاده از دموکراسی درون‌حزبی، استعمال اندیشه‌های شخصی و ذهنی و حتی دشمنان حزب گردیدند.

چنین اعمال و اندیشه‌ها به مفهوم عدمِ اعتقادِ راسخ به ایدئولوژی پنداشته‌شده و مسلماً به تمایلات فرکسیونی و ضدوحدت حزبی خدمت مینماید.

البته در حزب ما آزادیِ کامل نظر تامین گردیده است، ولی قانونِ حیاتی آن عبارت از توامیت آزادی بحث، آزادی تبادل افکار با انضباط آهنین و تشریک‌مساعی در تحققِ تصامیم اتخاذ شده میباشد.

تخطی از این قانون مجاز نبوده و هیچکس حق ندارد آنرا نقض نماید. تعمیل واقعی اصل مرکزیت دموکراتیک بدون تابعیت سازمان‌های مادون از ارگان‌های حزبی مافوق امکان‌پذیر نیست.

فعالیت سازمان‌های حزبی بدون رعایت این اصل زرین، از رهبری مرکزی واحد و هدف مشترک واحد محروم میگردد. ازینجاست که کمیته‌مرکزی ضرور می‌پندارد تا اصل تابعیت بلاقیدوشرط مقامات مادون از تصامیم مقامات مافوق به اساسنامه شامل گردد.

کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تکمیلیه‌یی در مورد افزایش وظایف اعضای حزب را خیلی مهم تلقی مینماید. اکنون زمانیکه حزب ما به حزب حاکم مبدل گردیده است فعالیت ایجادگرانه پی‌ریزی اساسات

اقتصادی جامعه نوین رشد و تکامل نیروهای مولده کشور، ایجاد پایه‌های مادی برای ارتقای سطح رفاه مردم افغانستان مسایل حایز اهمیت جدیست. اعضای اصلی و آزمایشی حزب باید در حل‌وفصل این مسائل فعالانه سهم بگیرند. بدین لحاظ پیشنهاد میگردد تا در جمله وظایف عضو حزب بر ضرورت برخورد صادقانه به وظایف تولیدی و دولتی، ارتقاء و رشد بهره‌دهی کار بوسیله آنها، شرکت فعالانه در رشد و تکامل تولید اجتماعی اشاره گردد. برعلاوه بهتر است تا وظایف اعضای حزب با تسلسل منطقی جدی‌تر افاده گردد.

رفقا!

یکی از وظایف اساسی و عمده کار سازمانی حزب، ارگان‌های محلی و سازمان‌های اولیه آن عبارت از تعیین و جابجاساختن کادرهای رهبری‌کننده، تربیه آنها با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور، وطن‌پرستی و مسوولیت عالی در برابر حزب و مردم بخاطر وظیفه محوله می‌باشد.

به نظر ما در اساسنامه کنونی تمام شرایط ضروری عضویت به حزب انعکاس یافته است.

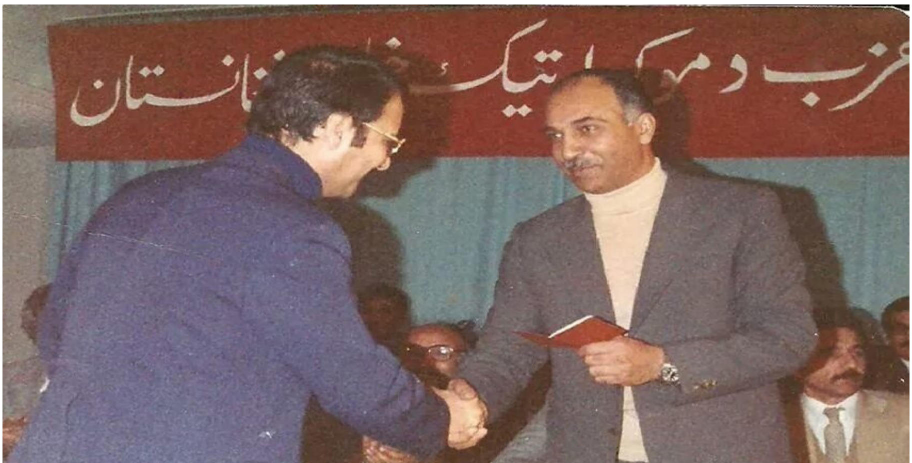
این شرایط عبارت از آنست که برای شمولیت به حزب، رسیدن به سن معین، شرکت فعال در کار یکی از سازمان‌های حزبی، تعمیل فیصله‌ها و تصامیم حزب، پرداخت حق‌العضویت حزبی، قبولی برنامه و اساسنامه حزب و آنچه که دارای اهمیت خاص است شرکت حتمی فعالانه در تحقق عملی آنها می‌باشد. این مطلب معنی آن را دارد: کسیکه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان شامل میگردد موظف است تا بخاطر آزادی و منافع مردم مبارزه نموده از وطن محبوب‌مان دلیرانه و شجاعانه دفاع نماید و با دشمنان انقلاب، حزب و مردم زحمتکش، آشتی‌ناپذیر باشد. مجموع تمام موازین اساسنامه حزب بیانگر آنست که حزب دموکراتیک خلق افغانستان تنها به اشخاصی اجازه ورود به صفوف حزب را میدهد، که شایسته، آگاه، صادق

و وفـادار بـاشند.

متن جدید اساسنامه کـه امروز تصویب آن در برابر مـا قرار دارد برای تحـکیم رشد و تـکامل هر چـه بیشتر حزب جوان مـا اهمیت بس بزرگـی را دارا میباشد. مـا بـاید بـه کمـک آن نـقش رهبری‌کننده و جـهت‌دهنده حزب دموکراتیـک خلـق افغانستـان را در جامعه تـا اندازه زیاد ارتقای دهیم و وحدت حزب را طوری تـقویت نموده و استحـکام بخشیم تـا بتواند مردم دلیر و نجیب افغانستـان محبوب‌مـان را بـه آن اهداف درخشـان کـه توسط برنامـه‌عمل طرح گردیده، بصورت موفقانـه سوق دهد.



اداء احترام در آرامگاه شهداء ۱۶ مارس ۱۹۸۲



توزیع کارت‌های عضویت حزبی ۱۷ مارس ۱۹۸۲



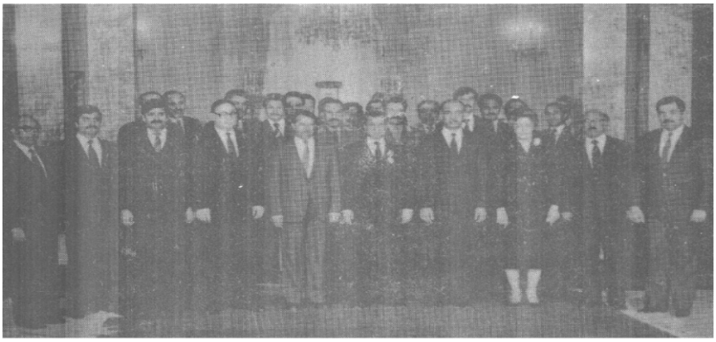
نصب نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" بر سینه ببرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲



اعطاء نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" به ببرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲



پس از اعطاء نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" به ببرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دوصدو پنجاه‌وشش

دوشنبه

۶ ثور ۱۳۶۱

۲۶ اپریل ۱۹۸۲

بیانیه

در مراسم اعطاء نشان "خورشید آزادی" به ببرک کارمل

۵ ثور ۱۳۶۱

۲۵ آپریل ۱۹۸۲

رفیق عزیز و ارجمند ببرک کارمل!

رفقای محترم بیروی سیاسی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه نها یت پرافتخاری را بعهده من گذاشته‌اند تا بشما رفیق گرامی و عزیز ببرک کارمل نشان عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان (نشان خورشید آزادی) را تفویض کنم. انجام این وظیفه سرور و شادمانی فراوان را نصیب من می‌سازد.

اجازه دهید بدین مناسبت احساس گرم رفیقانه و احترام عمیق همه رفقا را بشما ابراز نمایم.

اعطای این نشان مظهر قدردانی بزرگ مردم افغانستان، حزب ما و دولت ما از خدمات برجسته انقلابی شما، از کار و پیکار طولانی و مبارزات پیگیر شما بخاطر سعادت وخوش‌بختی انسان جامعه ماست.

شما در کشور بمثابه وطن‌پرست پرشور، انترناسیونالست وفادار و مبارز خستگی‌ناپذیر بخاطر اعمار جامعه نوین شهرت دارید و مردم ما شما را به مثابه کسیکه در سخت‌ترین شرایط مبارزه، آینده را به روشنی ترسیم نموده، دربرابر دشمنان وطن و خلق آشتی‌ناپذیر و قاطع و در برابر زحمتکشان کشور و رفقا مهربان، پرعطوفت و بزرگوار هستید، می‌شناسند. مردم ما خاطرات تابناکی از مبارزات شما قبل از انقلاب ثور دارند و به نقش پرارزش شما در بنیان‌گذاری و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فراهم‌آوری زمینه‌های لازم ذهنی برای پیروزی انقلاب ثور ارج بزرگ قایل‌اند و به حق شما را بمثابه شخصیت صاحب‌نظر و نویسنده پرقدرت، طراح واقعی نظریه اتحاد نیروهای ملی و وطن‌پرست در چارچوب جبهه ملی پدروطن، بخاطر تحقق اهداف انقلاب ملی - دموکراتیک می‌شناسند. آثار و مقالات پربهای شما چه قبل و چه بعد از انقلاب ثور در جرائد خلق و پرچم و نشرات حزبی و دولتی زمان بعد از انقلاب و کار خلاق تیوریکتان که مظهر درخشان آن اسناد دو سال اخیر حزب و به خصوص تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، منبع نیرومند الهام و آموزش اعضای حزب و زحمتکشان کشور است.

هم‌اکنون شما در راس حزب و دولت انقلابی ما با فعالیت خستگی‌ناپذیرتان در جهت دفاع از دست‌آوردهای انقلاب ثور اعمار جامعه نوین و عادلانه در کشور، تحکیم دوستی بین خلقهای افغانستان و سایر کشورها و انکشاف همه‌جانبه دوستی، همکاری و برادری با کشورهای جامعه سوسیالیستی و در راس اتحاد شوروی دوست بزرگ و وفادار ما، احترام عمیق همه نیروهای مترقی جهان را جلب نموده‌اید.

همه ما میدانیم که شما با صرف همه انرژی خود و با اعتقاد راسخ به اندیشه‌های پیشرو عصر ما بطور هدفمند بخاطر تحقق اهداف مطروحه حزب در راه سرکوب قطعی و کامل ضدانقلاب، استقرار صلح سراسری ملی و همگانی در کشور، محو عقب‌ماندگی، ارتقای سطح زندگی زحمتکشان،

اعتلای سطح اقتصاد ملی و تقویت اتحاد و برادری بین ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن کشور مساعی فراوانی را بکار می‌برید.

سراسر زندگی آگاهانه و ارزشمند شما با نهضت انقلابی مردم افغانستان، با ایجاد قوام، استحکام و رشد حزب طراز نوین ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط گسست‌ناپذیر دارد و همیشه برای همه رفقا نمونه پرارج وقف و خدمتگزاری به مردم و به امر سعادت و خوشبختی انسان زحمتکش است. کار خستگی‌ناپذیر شما متوجه تحقق اهداف و آرمان‌های بزرگ، شریفانه و انسانی حزب ماست.

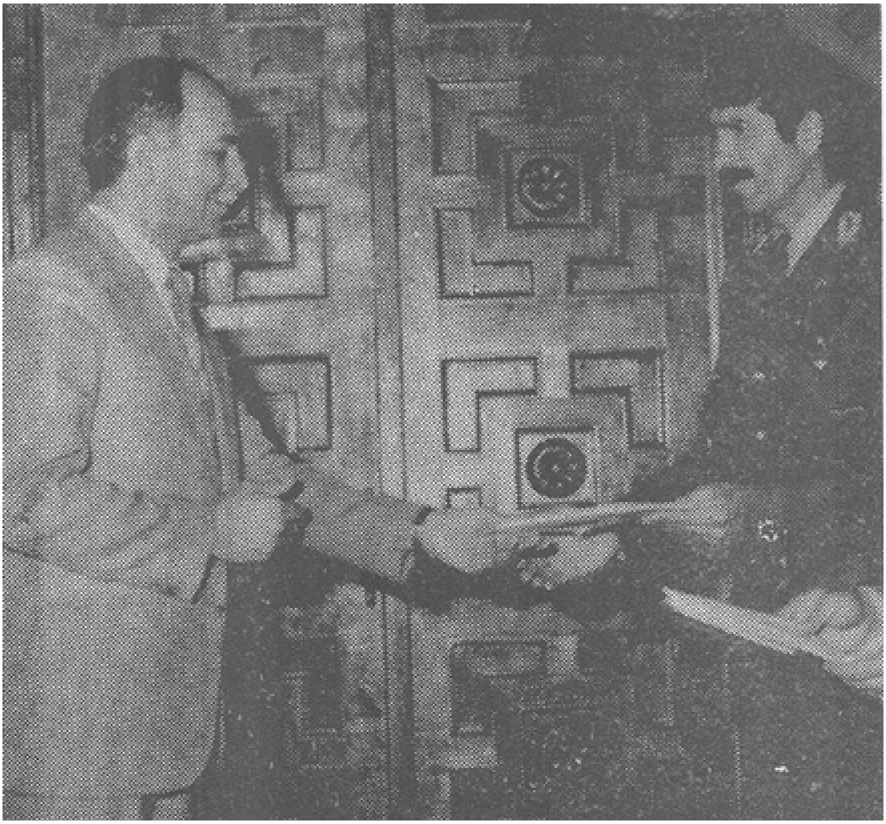
ما یقین کامل داریم که حزب و دولت ما تحت رهبری موفقانه شما گام‌های استوار و نوین را بسوی پیروزی کامل اندیشه‌ها و آرمان‌های بزرگ انقلابی برمی‌دارد.

اعطای نشان خورشید آزادی بشما رفیق محترم ببرک کارمل که مقدم بر همه مستحق آن هستید نمونه حق‌شناسی و حادثه بزرگ در زندگی حزب، دولت و مردم ماست و اعضای حزب ما و زحمتکشان کشور را در راه فداکاری‌ها، جانبازی‌ها و پایمردی‌های نوین و بزرگتر بخاطر دفاع از دست‌آوردهای انقلاب و اعمار جامعه شکوفان، سربلند و آباد تشویق خواهد کرد.

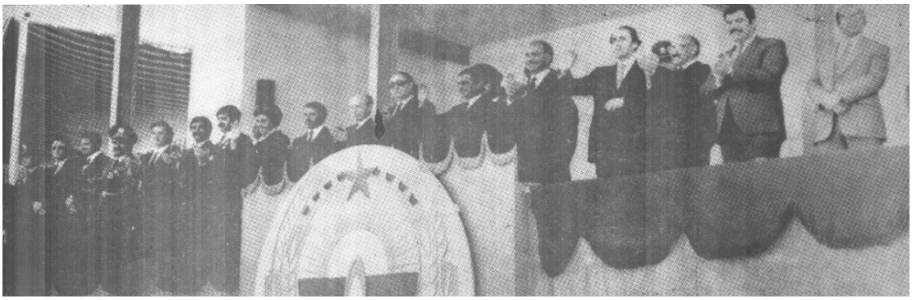
رفیق گرامی ببرک کارمل!

برای من جای مسرت فراوانیست که به نام مردم افغانستان و به نمایندگی از کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب خود، درین روز پرشکوه، به مناسبت اعطای نشان خورشید آزادی، صمیمانه‌ترین تبریکات و رفیقانه‌ترین آرزومندی‌ها را برای صحت کامل و طول‌عمرتان از ته دل ابراز میدارم.

اجازه دهید متن فرمان هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره اعطای نشان خورشید آزادی بشما قرائت گردد.



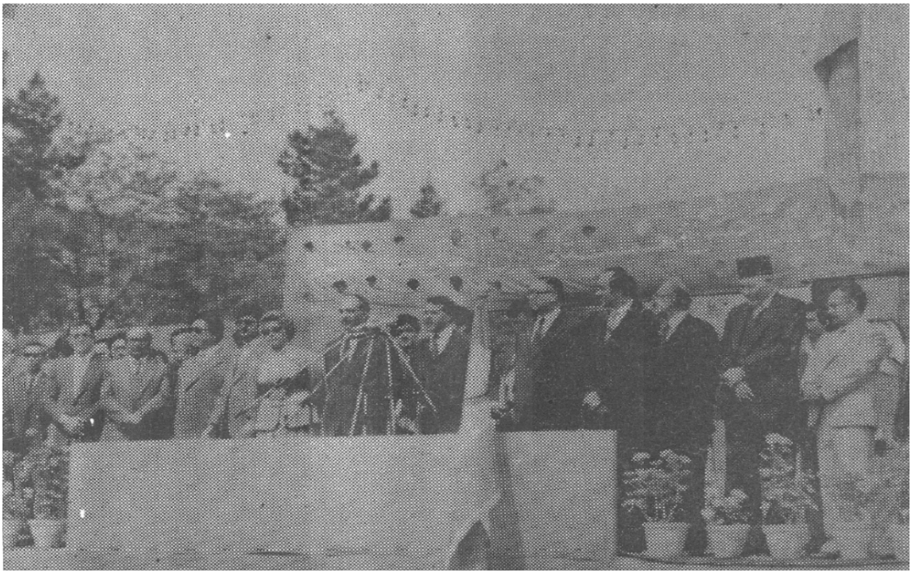
توزیع کارت‌های بریدجنرالی ۲۶ آوریل ۱۹۸۲



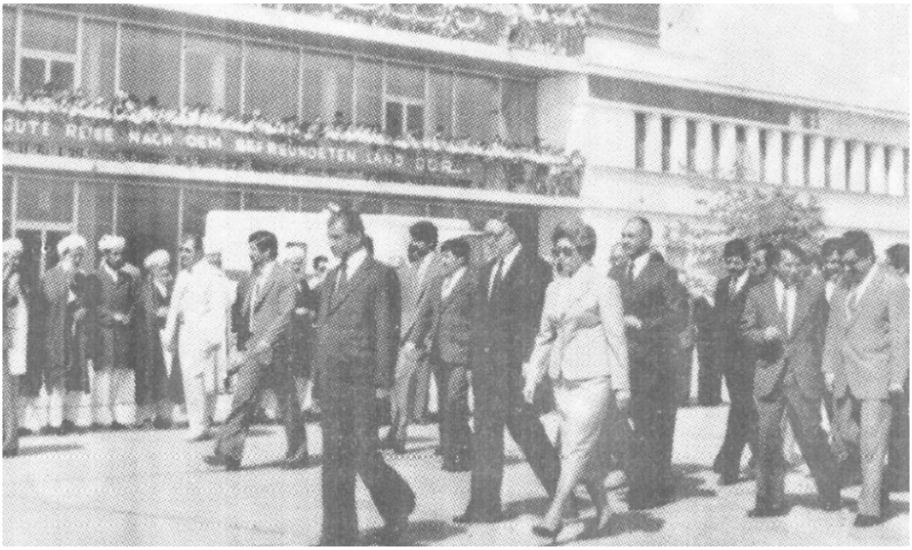
چهارمین سال‌روز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۲



جشن ورزشی به مناسبت چهارمین سال‌روز "۷ ثور" ۲۸ آوریل ۱۹۸۲



روز کارگر اول مه ۱۹۸۲

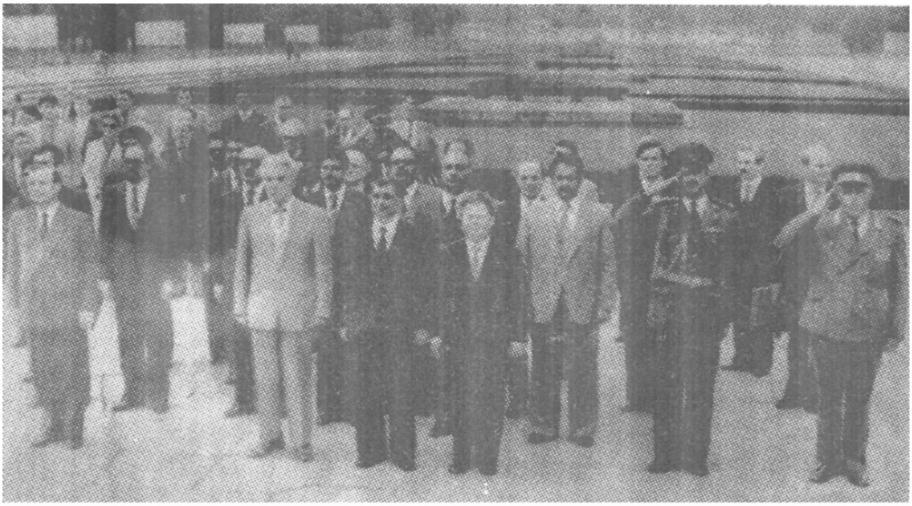


رفیق "نور" در هیئت همراه رئیس‌جمهور ببرک کارمل در ۱۸ مه ۱۹۸۲ جهت یک دیدار رسمی و دوستانه عازم برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان می‌شود.



توقف در فرودگاه تاشکند، پایتخت ازبکستان در سفر به

جمهوری دموکراتیک آلمان ۱۸ مه ۱۹۸۲



اداء احترام در محل یادبود قهرمانان شوروی در برلین ۲۱ مه ۱۹۸۲



مراسم امضاء قرارداد دوستی و همکاری میان

جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دمکراتیک آلمان ۲۱ مه ۱۹۸۲



نهمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۷ ژوئیه ۱۹۸۲



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۲

جهت شرکت در مراسم تدفین «لیونید برژنف» صدر هیئت‌رئیسه شورای عالی شوروی، رفیق "نور" در ۱۴ نوامبر ۱۹۸۲ به همراه یک هیئت عالی‌رتبه حزبی – دولتی به ریاست «ببرک کارمل» عازم شوروی می‌شود.



مراسم تدفین لیونید برژنف صدر هیئت‌رئیسه شورای عالی شوروی

در مسکو ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲



شصت‌ومین سال‌روز تاسیس اتحاد شوروی ۱۴ دسامبر ۱۹۸۲



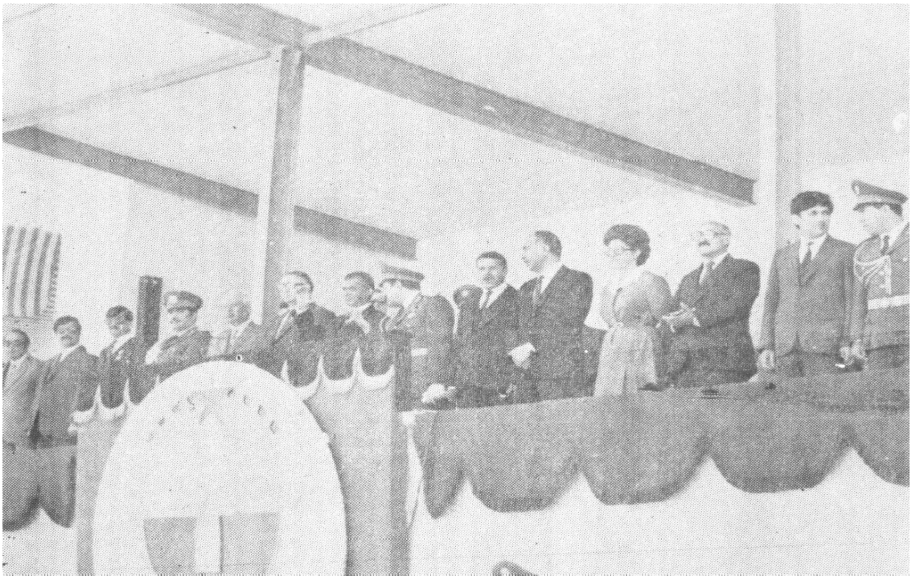
مشایعت ببرک کارمل در سفر به شوروی ۱۹ دسامبر ۱۹۸۲



مشایعت سلطان‌علی کشت‌مند در سفر به دهلی ۴ مارس ۱۹۸۳



در فابریکه خانه‌سازی کابل ۲۶ آوریل ۱۹۸۳



پنجمین سال‌روز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۳



روز کارگر اول مه ۱۹۸۳



سمینار والیان افغانستان ۲۶ ژوئن ۱۹۸۳



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۳



افتتاح ساحه‌ی ورزشی و تفریحی پیش‌آهنگان در مراسم سومین سال‌روز
ایجاد سازمان پیش‌آهنگان افغانستان ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۳



نصب مدال فداکاری به سینه‌ی یکی از سپاهیان انقلاب ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳



شصت‌وششمین سال‌روز پیروزی انقلاب اکتبر ۶ نوامبر ۱۹۸۳



جلسه بزرگ حزبی – دولتی ۲۹ نوامبر ۱۹۸۳

تبعید دوم

با اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان کاملن تحت حمایت شوروی قرار دارد و به این حمایت هم شدیدن نیازمند است، ولی رفیق "نور" همواره نظرات مخالف خود را در مقابل سران شوروی و یا مشاورین آن در افغانستان بیان می‌کند و این امر بل‌اخره منجر به این می‌شود که ریویزیونیست‌های حاکم بر شوروی در ماه ژانویه ۱۹۸۴ رفیق "نور" را به بهانه‌ی تحصیل در انستیتوت علوم اجتماعی شهر "مسکو"، نزدیک به دو سال از افغانستان دور کرده و در "مسکو" به حالت تبعید و تحت‌نظر نگاه دارند.

همین ریویزیونیست‌ها نیز سرانجام آخرین دست‌آوردهای سوسیالیسم در شوروی را به نابودی می‌کشانند و در این روند، قدرت سیاسی در افغانستان را به مجاهدین "شورای نظار" تحویل می‌دهند.

روزی از رفیق "نور" سوال کردم هنگامی که شما را اجبارن به "مسکو" انتقال می‌دادند، عکس‌العمل حزب و سائر رهبران حزب در مقابل این عمل چه بود؟

رفیق "نور" پاسخ داد که در روز عزیمت به شوروی، "ببرک کارمل" به من گفت: "نورجـان، هیچ کاری برای‌ات کرده نمی‌تانم."

در مـاه اکتبر ۱۹۸۵ دوران تبـعید رفیـق "نور در "مسـکو" بـه پایان می‌رسد و رفیـق "نور" بـه افغانستـان بازگشتـه و فعالیت‌هـای قبلـی خود را ادامـه مـی‌دهد و بـه همین دلیل نیز هیـچ تصویری از رفیـق "نور" در این دوره وجود ندارد.



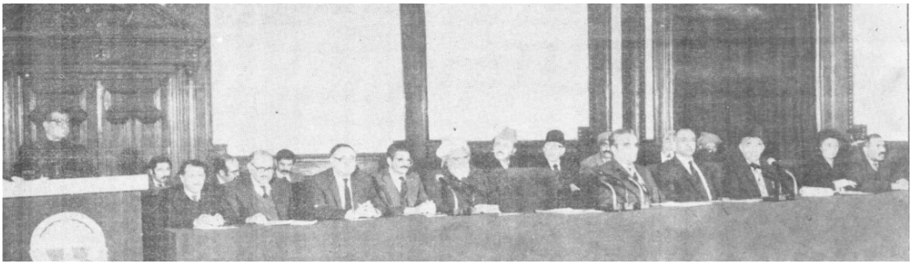
شصت‌وهشتمین سال‌روز انقلاب شوروی ۵ نوامبر ۱۹۸۵



جلسه فوق‌العاده و وسیع شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۹ نوامبر ۱۹۸۵

رفیق "نور" در اواخر سال ۱۹۸۵ رهبری عمومی شعبه اقتصاد کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز به عهده می‌گیرد.



چهارمین جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۱۶ ژانویه ۱۹۸۶







جلسه فعالین حزبی و دولتی درباره تحقق سیاست ارضی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان اول فوریه ۱۹۸۶



اختتام جلسه فعالین حزبی و دولتی درباره تحقق سیاست ارضی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۲ فوریه ۱۹۸۶



مشایعت ببرک کارمل و هیئت همراه در مسافرت به شوروی جهت شرکت در کنگره ۲۷ حزب کمونیست شوروی ۲۳ فوریه ۱۹۸۶



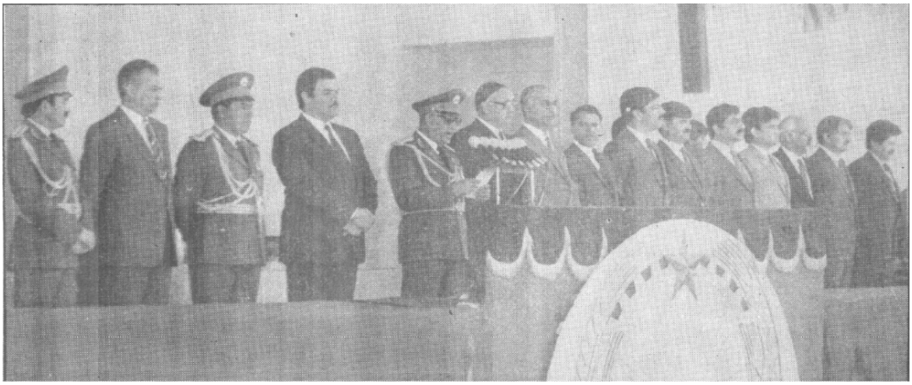
استقبال از ببرک کارمل در بازگشت از شوروی ۷ مارس ۱۹۸۶



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۹ مارس ۱۹۸۶

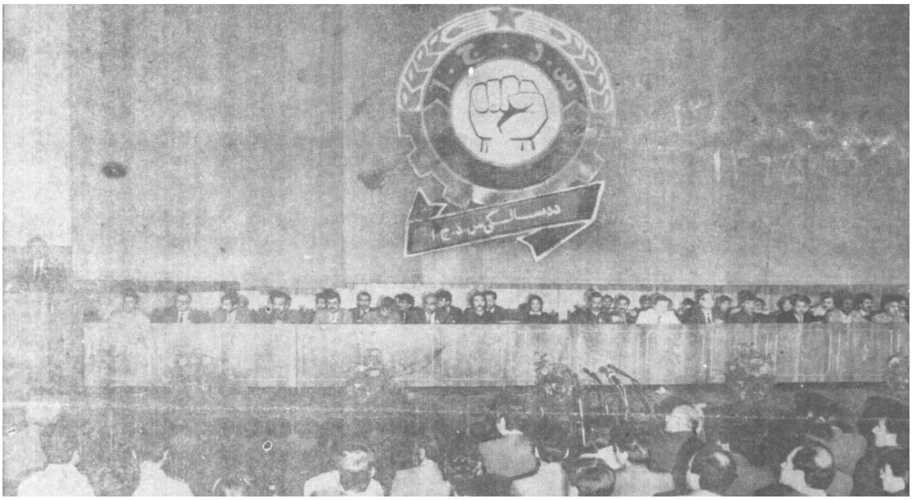


جرگه قبائل آزاد پشتون ۹ آوریل ۱۹۸۶





هشتمین سال‌روز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۶





دهمین سال‌روز تاسیس سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۲۷ مه ۱۹۸۶



جشن‌واره ورزشی – نظامی جوانان کابل در گرامی‌داشت دهمین سال‌گرد سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ۲۸ مه ۱۹۸۶



دیدار با هیئت کمیته‌مرکزی حزب کمونیست شوروی ۲۳ ژوئن ۱۹۸۶



نوزدهمین پلنوم کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶



مراسم درج تسلیت به مناسبت درگذشت له‌دوان، دبیر اول کمیته‌مرکزی
حزب کمونیست ویتنام در محل سفارت ویتنام در کابل ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۶



چهاردهمین پلنوم کمیته‌مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۴ اوت ۱۹۸۶



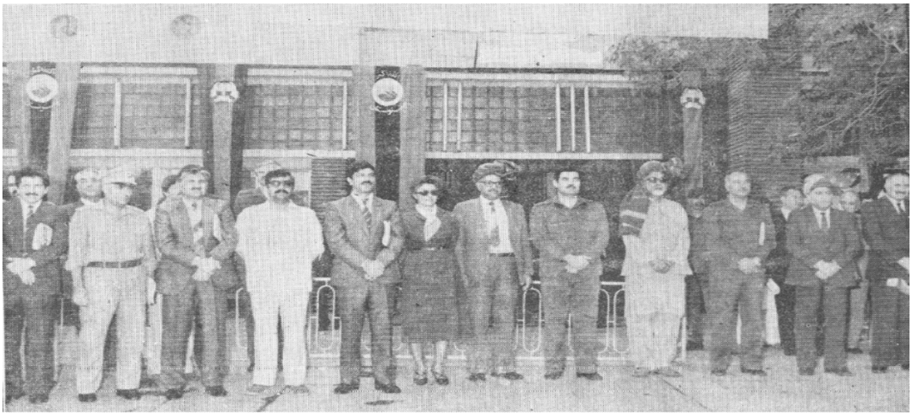
مراسم نماز عید قربان ۱۵ اوت ۱۹۸۶



گرامی‌داشت روز اردوی افغانستان ۱۷ اوت ۱۹۸۶

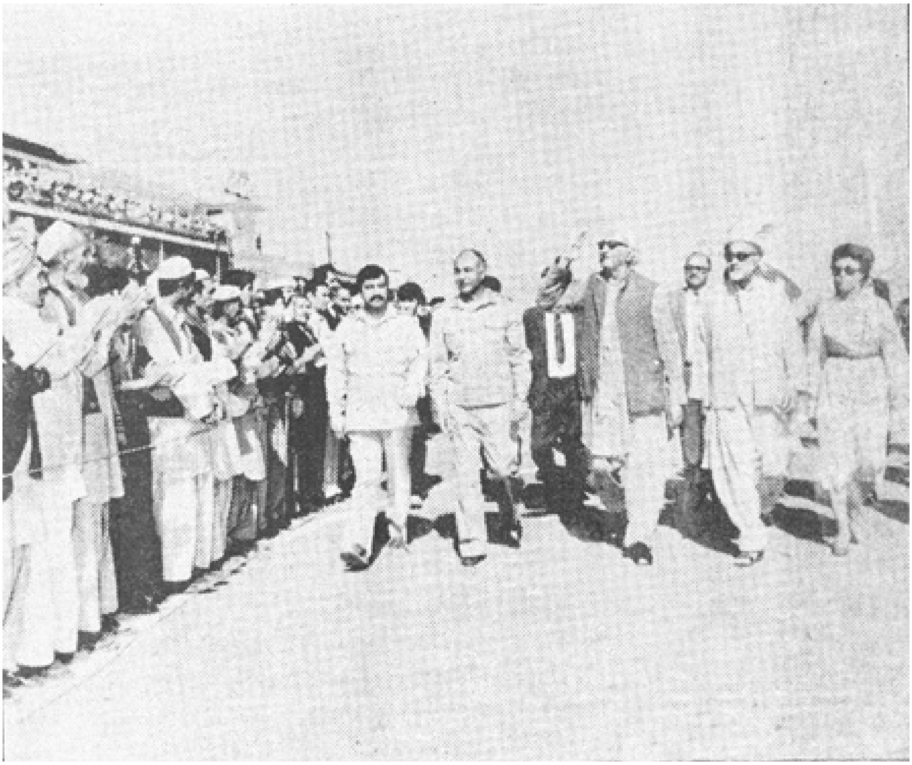


شصت‌وهفتمین سال‌روز استرداد استقلال افغانستان ۱۹ اوت ۱۹۸۶



روز هم‌بسته‌گی خلق‌های پشتون و بلوچ ۳۱ اوت ۱۹۸۶





استقبال عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان اول سپتامبر ۱۹۸۶



دیدار با عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان اول سپتامبر ۱۹۸۶



مراسم حمایت از تمدید مهلت یک‌جانبه توقف آزمایشات هسته‌ای

از سوی گرباچف ۸ سپتامبر ۱۹۸۶

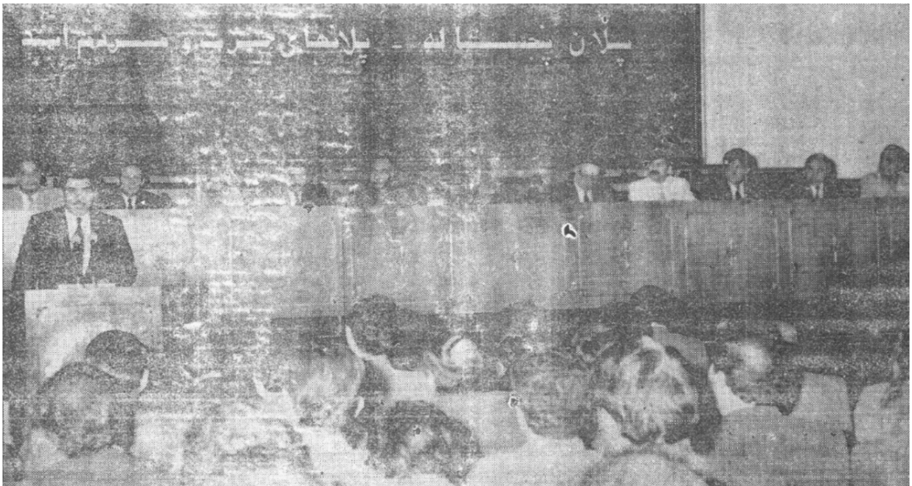


همراهی عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان در شهر جلال‌آباد

۱۲ سپتامبر ۱۹۸۶



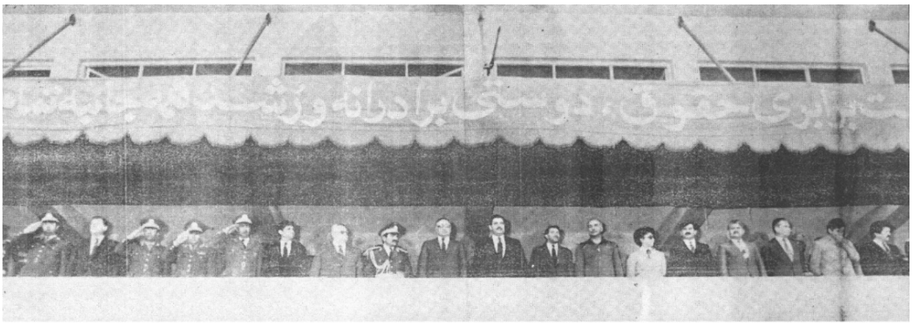
دیدار با معاون اول رئیس شورای وزیران و هیئت نمایندەگی شوروی در سفر به افغانستان جهت شرکت در ششمین جلسه کمیسیون دائمی بین‌الدول افغان – شوروی راجع به همکاری اقتصادی ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۶



کنفرانس علمی – پراتیکی ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۶



روز ثارندوی ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶



روز ثارندوی اول اکتبر ۱۹۸۶



دومین کنگره معلمان افغانستان ۷ اکتبر ۱۹۸۶



مراسم خروج نیروهای نظامی شوروی ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶



دیدار با هیئت عالی‌رتبه حزبی و دولتی جمهوری‌های آسیای میانه شوروی

۲۷ نوامبر ۱۹۸۶



دهمین سال‌گرد تاسیس آکادمی علوم طبی نیروهای مسلح افغانستان

اول دسامبر ۱۹۸۶



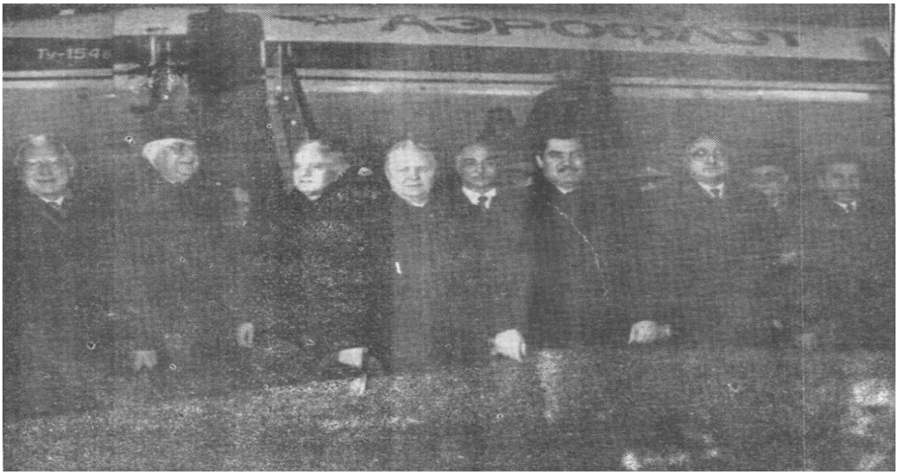
دیدار با هیئت عالی‌رتبه حزبی و دولتی جمهوری‌های آسیای میانه شوروی

۲ دسامبر ۱۹۸۶

به دعوت کمیته‌مرکزی حزب کمونیست و هیئت‌رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، رفیق "نور" در یک هیئت عالی‌رتبه حزبی و دولتی به ریاست "محمد نجیب‌اله" دبیر اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶ عازم شوروی می‌شود.



استقبال در فرودگاه مسکو توسط ایگور لیگاچیف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته‌مرکزی حزب کمونیست شوروی ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶



فرودگاه مسکو ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶



اداء احترام در مقابل آرامگاه لنین ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶



دیدار با گرباچف و سائر سران شوروی ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶



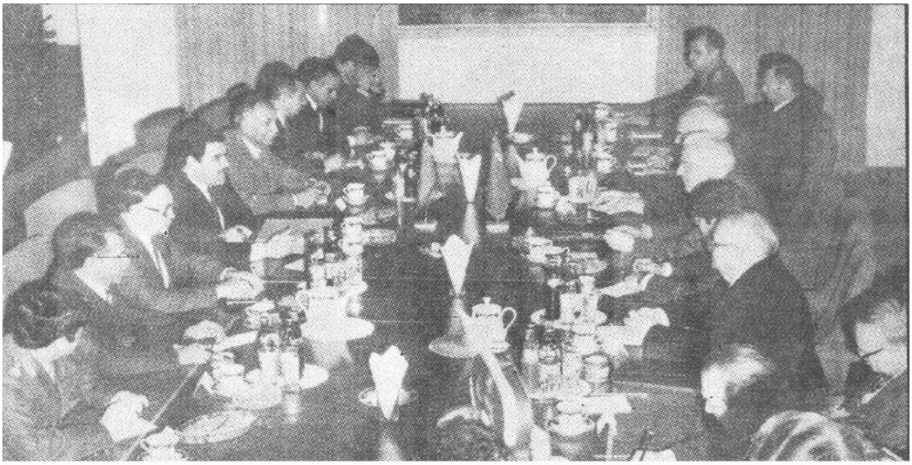
بازگشت از شوروی ۱۴ دسامبر ۱۹۸۶



استقبال عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان ۲ ژانویه ۱۹۸۷



استقبال از وزیر امور خارجه شوروی ۵ ژانویه ۱۹۸۷



دیدار با وزیر امور خارجه شوروی ۵ ژانویه ۱۹۸۷



دومین کنگره جبهه ملی پدروطن ۱۴ ژانویه ۱۹۸۷



دومین کنگره اتحادیه‌های ژورنالیستان، نویسنده‌گان و هنرمندان افغانستان

۱۵ مارس ۱۹۸۷

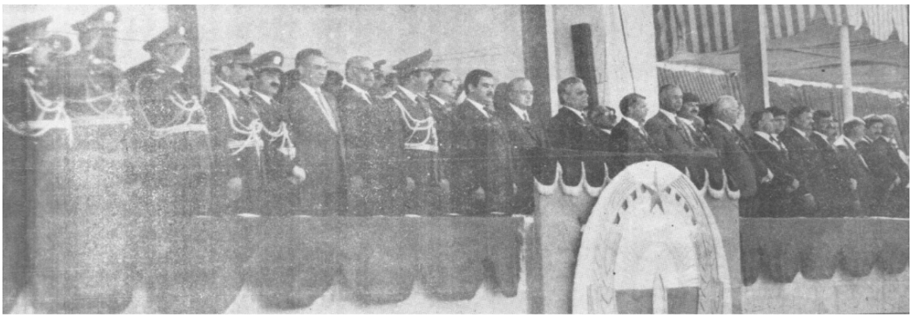


جشن دهقان ۲۷ مارس ۱۹۸۷



نخستین کنفرانس سرتاسری متشبثین ملی بخش خصوصی افغانستان

۱۹ آوریل ۱۹۸۷



نهمین سال‌گرد "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۷



کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک تحت عنوان "وسائل اطلاعات جمعی و تحکیم اعتماد میان مردمان به خاطر

جهان فارغ از تشنج و سلاح‌های هسته‌ای" ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷

حقیقت انقلاب ثور
ارگان کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
شماره هزارو هشت‌صد
شنبه
۶ سرطان ۱۳۶۶
۲۷ جون ۱۹۸۷

بیانیه

در جلسه‌ی اختتامیه‌ی کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک

در "میلمه پال هوتل" شهر "کابل"

۴ سرطان ۱۳۶۶

۲۵ جون ۱۹۸۷

دوستان عزیز!

مسرت دارم که شما را در این تالار ملاقات نموده و شادباش میگویم. شما بمثابه مبلغین آزادی و مبارزان به خاطر آینده بهتر و به پیروزی رساندن اصول بشردوستانه در هر روز کنفرانس تشویش‌تانرا به خاطر سرنوشت خلقها و سیاره ما ابراز نموده‌اید.

افغانها، ضرب‌المثل خردمندانه دارند که می‌گویند: "زمانیکه سعادت و نیرو با هم متحد میشوند، همه کارها سهل میگردد." یعنی پیروزی از آن شخصی است که همه نیروی خود را بخاطر حصول اهداف شریفانه به‌خرج دهد و این امر بزرگترین سعادت برای هر ژورنالیست صادق و واقعاً مترقی میباشد.

سه روز است که در این تالار کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک تحت عنوان (وسایل اطلاعات جمعی و تحکیم اعتماد میان مردمان بخاطر

جهان فارغ از تشنج و سلاح هستوی) جریان دارد.

در کار این کنفرانس نمایندەگان سیوهفت کشور و تعدادی از سازمانهای بینالمللی معتبر شرکت داشتند. امروز ما نتایج کار این گردهمآیی را بررسی نمینماییم. فکر میکنم که آنها زمانی کاملاً مشهود خواهند شد که شما به کشورهایتان برمیگردید و نظریات کنفرانس کابل را در صفحات روزنامهها و مجلاتتان و در مقالات اجتماعی، سیاسی و ممکن در کتب نشر خواهید نمود. زیرا نیروی ذ خیروی ایجادگرانه شما همانگونه که از بیانات شما واضح شد، بسیار عظیم بوده و باید به صورت کل مورد استفاده قرار گیرد.

بدون ارزیابی نتایج کار کنفرانس همزمان میخواهم تاکید نمایم که هریک از سه روز کار ما، بسیار پرمحتوا و فوقالعاده مبرم بود. در این تالار ما مهمترین مسایل امروز و فردای خویش را نه تنها به صورت مجموعی بلکه به طور اخص نیز مورد بحث قرار دادیم، هم در بررسی و هم در تحلیل، همه پرابلمهای مختلف ما وسعتنظر گسترده و بعضا هم طرز دید جدید که نادر ولی در عین زمان برای حل مسایل حیاتی بشریت و حفظ زندەگی در سیارەی زیبای نیلگون ما ضروری پنداشته میشود، ارائه نمودیم.

عمدەترین مطلب آنست که ما همه با یک صدا اظهار نمودیم که جنگ هستوی نمیتواند الترناتیف صلح باشد، بدین لحاظ برای همه ژورنالیستان مترقی لازم است تا با تشریک مساعی در جهت توزیع این حقیقت مهم بر اختلافنظرها و بعضاً برخوردهای متفاوت و علاقمندیهای گذرا فایق آیند.

ما از هر کدام شما به صورت جداگانه و خاص به خاطر درک و پشتیبانیتان از سیاست مصالحه ملی اظهار سپاس مینماییم. این پروسه پیچیده خواهان زمان و تحمل میباشد، بخاطر پختگی و ثمره خوب آن زمان لازم است، اما آنچه که دولت و حزب ما در این مدت انجام داده است و آن نتایجی که شما با آن آشنایی حاصل نمودید به فکر من شما را معتقد به آن میسازد که

مصالحه ملی پاسخ‌گوی هر کلام و روحیه قرآن عظیم‌الشأن بوده و عمده‌ترین مسأله یعنی رفاه هر افغان، تأمین صلح را در خاک آبایی ما که بواسطه شعله‌های جنگ‌ها سوخته و آغشته بخون است به بار می‌آورد.

کنفرانس ما نصف راه خود را طی نموده است اکنون همه امکانات در اختیار شما قرار داده شد تا شما بتوانید کتاب باستانی و جالب معاصر را بنام افغانستان مطالعه نمایید. در صفحات این کتاب ملاقات‌های دلچسپ با مردم کشور ما انتظار شما را دارد و شما از فابریکه‌ها و مؤسسات صنایع خصوصی دیدن نموده و با محک اساسی زنده‌گی در شرق، بازارها و دکان‌های ما، لیسه‌ها و پوهنتون، آشنا خواهید شد. در هر صفحه این کتاب شما متیقن به این امر خواهید شد که اساسی‌ترین مطلب برای ما صلح است. صفحات زیاد این کتاب تا کنون تکمیل نگردیده است.

اما ما حتماً آنرا با کار میهن‌پرستانه و قهرمانانه تکمیل خواهیم نمود.

کنفرانس کنونی ما بیانات شما و افکاری را که شما سخاوتمندانه با ما در میان گذاشتید برای ما زیاد مفید و آموزنده میباشد. برای ما نهایت خوشایند بود که شما مصالحه ملی را نه تنها کلید حل مسایل در کشور ما بلکه در همه قارهٔ آسیا تلقی می‌نمایید.

بنماینده‌گی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رفقا نجیب و کشتمند بخاطر بیانات، اندیشه‌ها و پیشنهادات‌تان از شما ابراز سپاس نموده و برای هرکدام‌تان صحت، سعادت و پیروزی‌های جدید ایجادگرانه آرزو مینمایم.



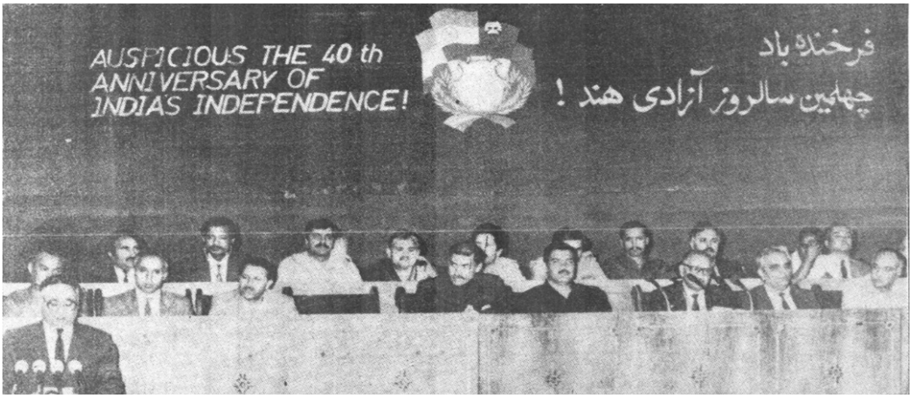
دومین اجلاس کمیسیون عالی مصالحه ملی ۲۷ ژوئن ۱۹۸۷



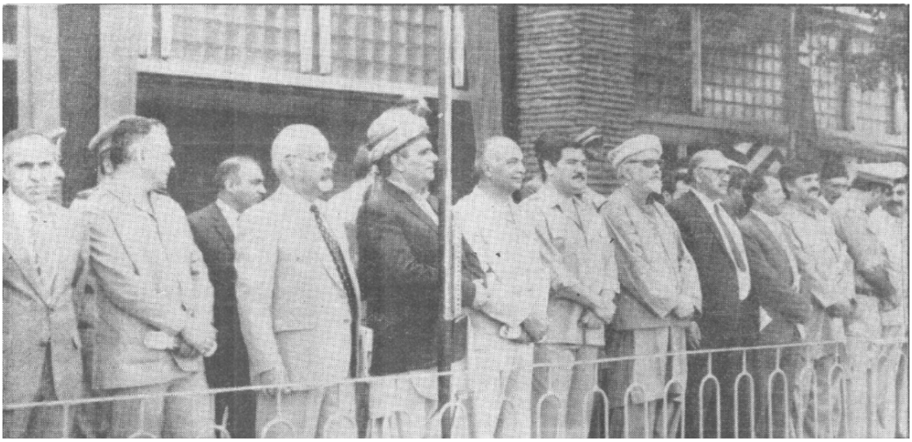
مراسم نماز عید قربان ۴ اوت ۱۹۸۷



استقبال از محمدنجیب‌اله در بازگشت از شوروی ۱۰ اوت ۱۹۸۷



چهلمین سال‌روز آزادی هند ۱۳ اوت ۱۹۸۷



روز هم‌بسته‌گی خلق‌های پشتون و بلوچ ۳۱ اوت ۱۹۸۷



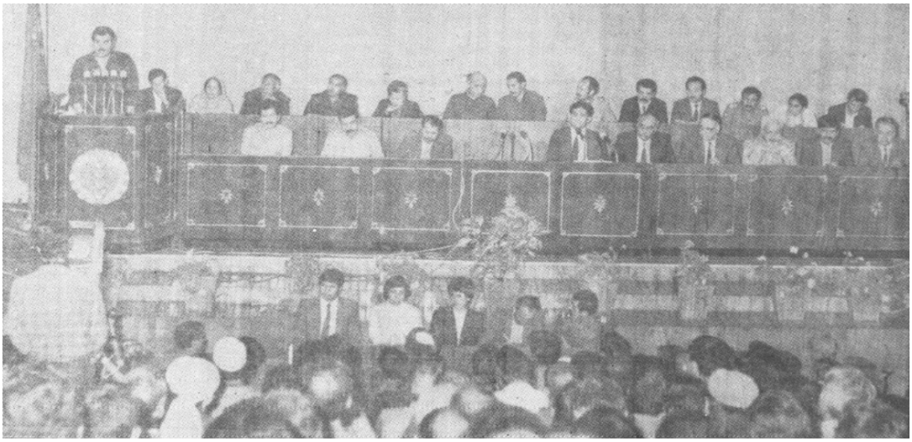
جلسه سازمان اولیه حزبی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷



نخستین جرگه سراسری ملیت هزاره در انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷



دومین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل در انستیتوت علوم اجتماعی

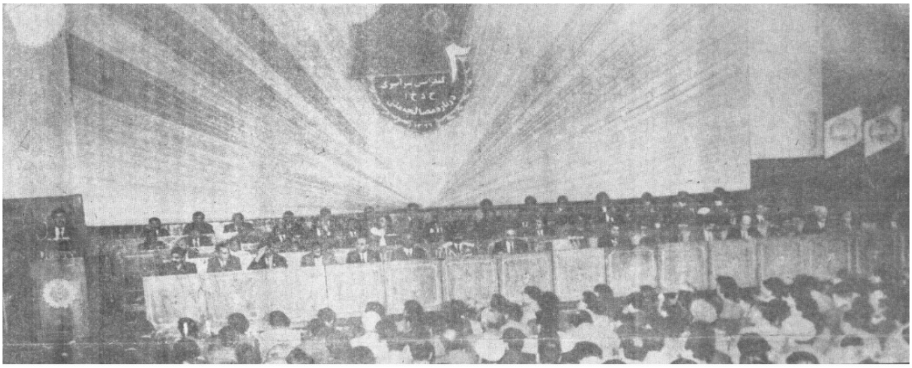
شهر کابل ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷



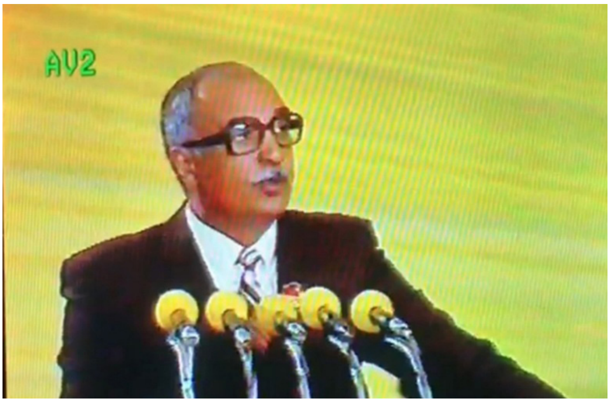




جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۷







دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷





دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷



هفتادمین سال‌گرد پیروزی انقلاب اکتبر شوروی ۲۷ اکتبر ۱۹۸۷



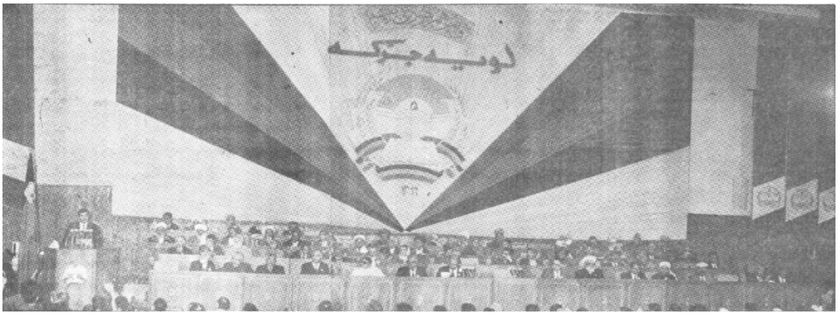
جلسه نوبتی کمیسیون پیش‌نویس قانون‌اساسی

جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۸ اکتبر ۱۹۸۷



جلسه هیئت‌رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

در مقر شورای انقلابی در قصر گل‌خانه ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷



جلسه لویه‌جرگه جهت تصویب طرح قانون‌اساسی جدید افغانستان

و تعیین رئیس‌جمهور افغانستان ۲۹ نوامبر ۱۹۸۷



جشن پیروزی نظامی شهر خوست در میدان انقلاب شهر کابل

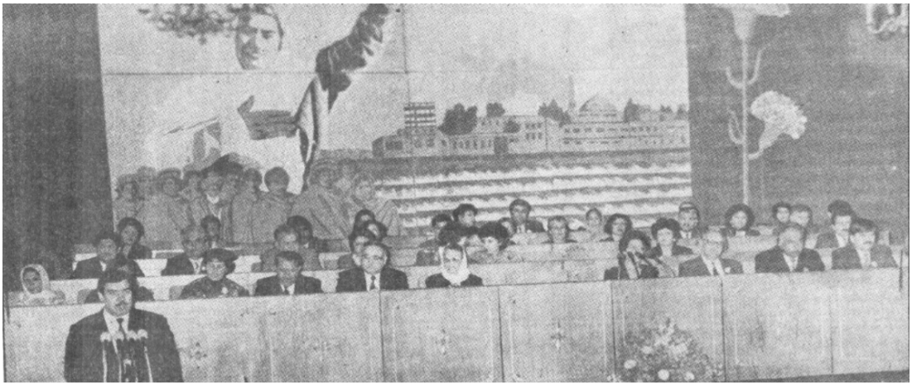
۱۸ ژانویه ۱۹۸۸

تبعید سوم

به خاطر خصوصیت عدم سازش‌کاری و عدم سکوت در مقابل مواضع انحرافی سائر رهبران حزبی و دولتی، رفیق "نور" در زمان ریاست‌جمهوری "نجیب‌اله" نیز به تبعید اعزام می‌شود.

با این که رفیق "نور" یکی از رهبران موثر افغانستان است ولی همواره به عنوان سفیر، به خارج از افغانستان اعزام می‌گردد و از جامعه و مردم‌اش دور نگه داشته می‌شود.

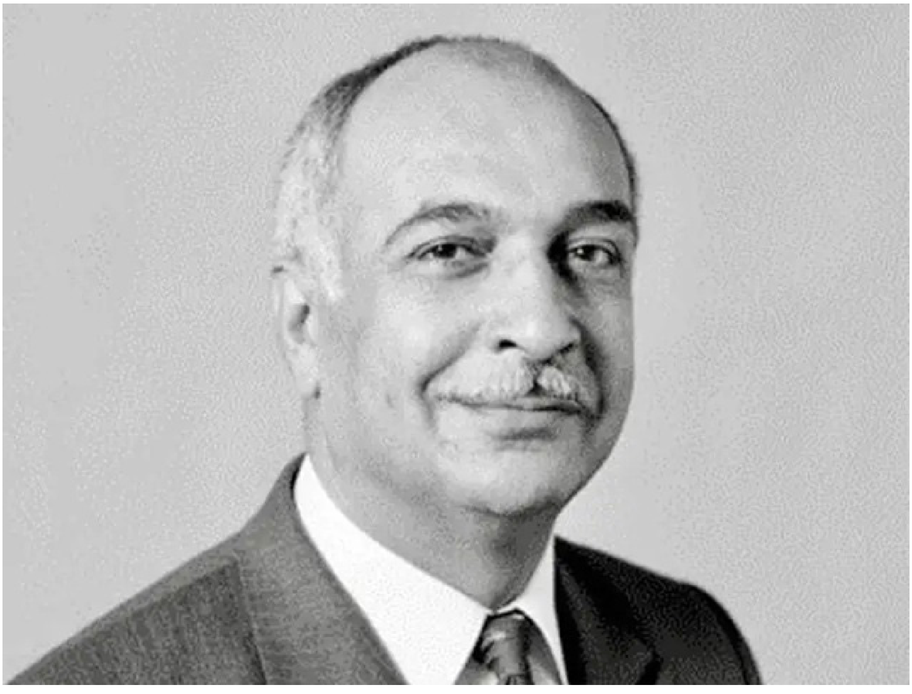
رفیق "نور" در ماه فوریه ۱۹۸۸ به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در لهستان منصوب می‌شود.



روز زن ۸ مارس ۱۹۸۸

رفیق "نور" در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ عازم لهستان می‌شود و تا ماه ژوئیه ۱۹۸۹ به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در لهستان به انجام وظیفه می‌پردازد.

سپس در ماه اوت همین سال به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در "سازمان ملل متحد" تعیین می‌شود.





دیدار با دبیر کل سازمان ملل متحد

در این مرحلـه، حزب حـاکم بر افغانستـان، یعنـی "حزب دمکراتیـک خلـق افغانستـان" طـی کنـگره‌ی دوم خود در ۲۷ و ۲۸ ژوئن ۱۹۹۰ بـه "حزب وطن" تـغییر نـام مـی‌دهد و رفیـق "نور" بـه عضویت هیئت اجرائیـه‌ی شورای مرکزی "حزب وطن" منصوب مـی‌شود. امـا بـا این حـال، رفیـق "نور" را تـا مـاه دسـامبر ۱۹۹۰ همچنـان بـه عنوان سفیرکبیر و نمـاینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستـان در "سـازمان مـلل متحد" در خـارج از افغانستـان نگـه مـی‌دارند و سپس وی را در مـاه ژانویـه ۱۹۹۱ سـفیرکبیر و نمـاینده‌ی فوق‌العـاده دولت افغانستـان در کوبـا منصوب می‌سـازند.

در ماه نوامبر ۱۹۹۱ دولت روسیه از حمایت "حزب" و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان کاملن دست می‌کشد و تصمیم می‌گیرد افغانستان را به "شورای نظار" تحویل بدهد و این جای‌گزینی در ۸ آوریل ۱۹۹۲ صورت می‌گیرد. اما رفیق "نور" تا ماه ژوئن ۱۹۹۲ در مقام خود، یعنی سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در کوبا باقی می‌ماند و در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ به "مسکو" می‌رود.

روزی در مورد تحولات افغانستان در دوران جابه‌جائی قدرت، از رفیق "نور" سوال کردم که شما در این زمان هنوز عضو هیئت اجرائیه‌ی شورای مرکزی "حزب وطن" هستید، آیا در مورد مذاکراتی که رهبران حزب و دولت با "گلبدین حکمت‌یار" و "احمدشاه مسعود" جهت انتقال قدرت انجام می‌دادند، از شما هم نظرخواهی می‌شد؟ و رفیق "نور" پاسخ داد: "ابدن! من از طریق دوستان‌ام مطلع می‌شدم ولی هیچ‌گاه به‌طور رسمی مورد نظرخواهی تشکیلاتی قرار نگرفتم."

مهاجرت

سرانجام رفیق "نور" در ۸ سپتامبر ۱۹۹۴ به همراه خانواده‌اش وارد هلند می‌شود و در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۴ از دولت هلند تقاضای پناهندگی می‌کند و در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۵ اجازه‌اقامت در هلند را می‌گیرد. اما در این جا نیز دولت امپریالیستی هلند وی را آسوده نمی‌گذارد.

وزارت دادگستری هلند از ماه دسامبر ۱۹۹۸ رفیق "نور" را مورد مصاحبه‌های متعدد قرار می‌دهد تا این که در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۰ اجازه اقامت در هلند را از وی پس می‌گیرد و همه‌ی این‌ها به این بهانه انجام می‌گیرد که رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان نقض حقوق بشر کرده است و رفیق "نور" هم به عنوان یکی از رهبران اصلی این رژیم، در این نقض حقوق بشر سهیم بوده است.



اولین بار به هم راه خواهرش فهیمه پوپل و بهمن آرام

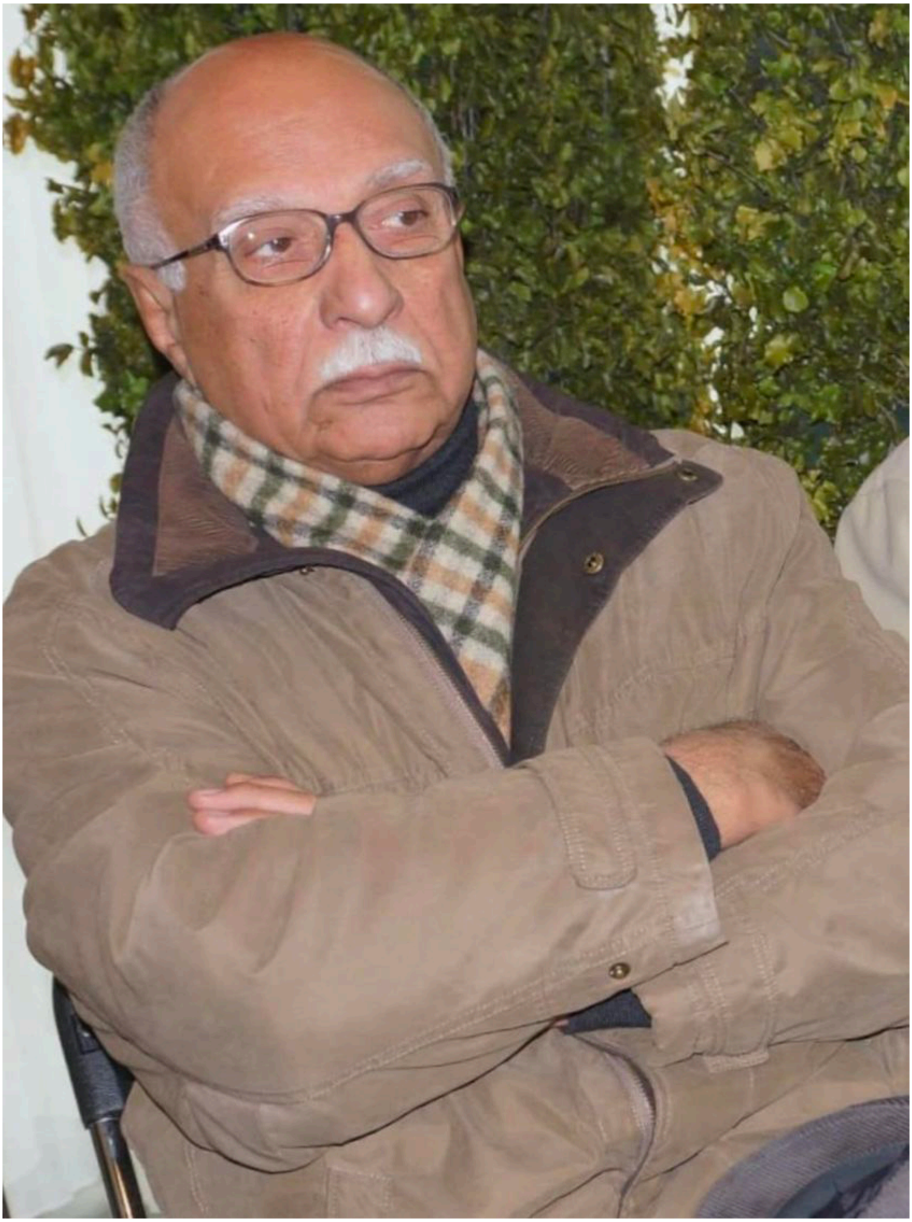
دادستانی دولت هلند با تشکیل یک تیم مخصوص، از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴، تحقیقات وسیعی را در سراسر جهان جهت یافتن "سند جرم" علیه رفیق "نور" انجام می‌دهد و سرانجام در ۶ آوریل ۲۰۰۵ با ارسال نامه‌ای، زبونانه اعتراف می‌کند که هیچ "سند"ی دال بر محکومیت "نوراحمد نور" یافت نشده است، اما وی باید هلند را ترک کند و رفیق "نور" پاسخ می‌دهد که من به هلند آمده‌ام و از هلند هم خارج نخواهم شد و خارج هم نشد!



۵ فوریه ۲۰۰۶

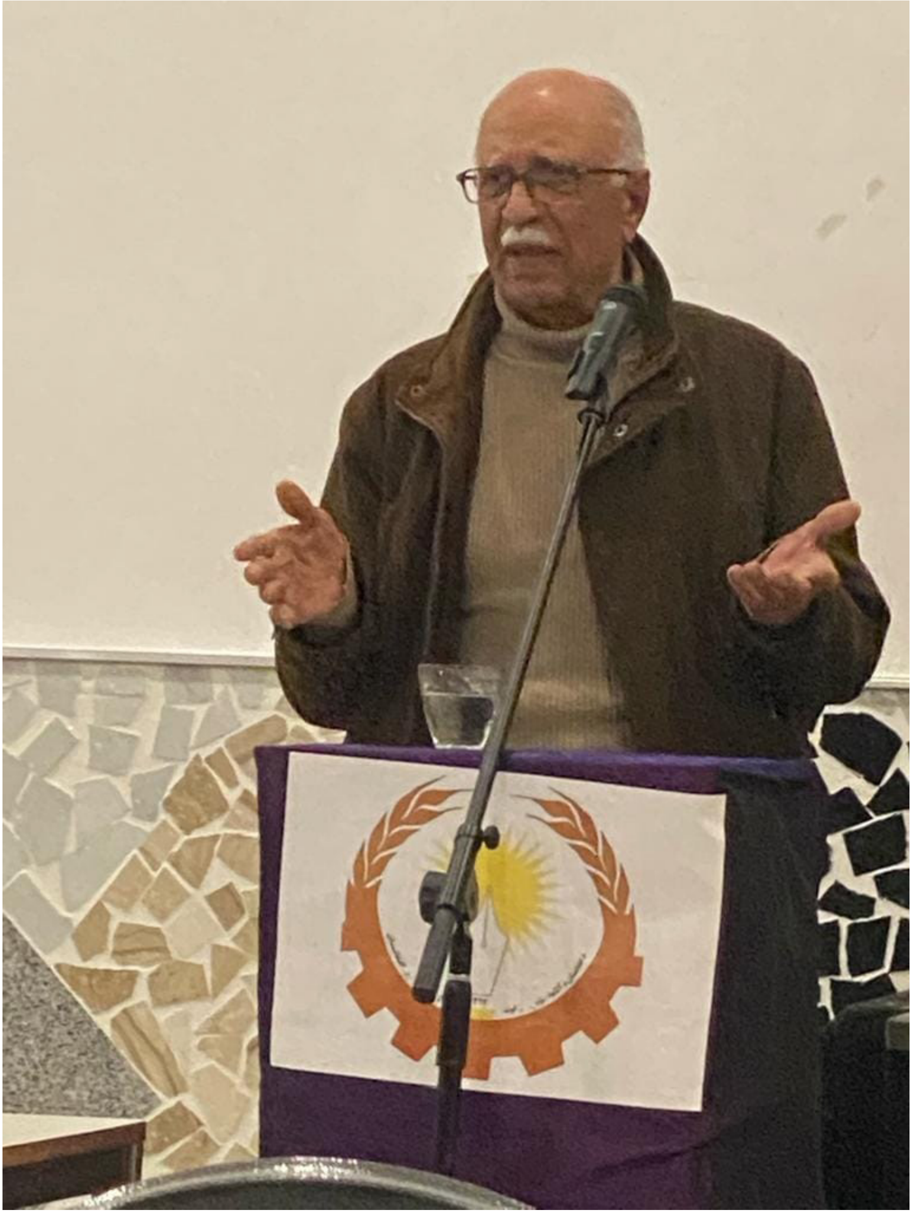


به هم راه مادرش اول ژانویه ۲۰۱۳





۲۱ اوت ۲۰۱۹





مصاحبه با سایت اصالت ۲۶ آوریل ۲۰۲۱



اول ژانویه ۲۰۲۳



اول ژانویه ۲۰۲۳

رفیق "نوراحمد نور" بـا تعـهد کامل در دفاع از محرومان جامعه‌ی افغانستان، تا آخرین روزهای زنده‌گی‌اش، در کنار سائر همرزمان‌اش، با صداقت کامل و خسته‌گی‌نـاپذیر، بـه‌طور سـازمان‌یافته و تشـکیلاتی بـه دفاع از منافـع توده‌های زجرکشیده‌ی افغانستـان مـی‌پردازد و در شـام‌گاه ۵ ژانویـه ۲۰۲۴ فوت مـی‌کند و در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴ در Uitvaartcentrum De Nieuwe Ooster در شـهر "آمستردام" پـایتخت کشور هلند به خاک سپرده می‌شود.




RUST IN

بـه‌طور کلـی، مواضـع و عمل‌کردهـای سیاسـی – طبقاتـی رفیـق "نوراحمد نور"، وی را کامـلن از سـائر هم‌رزمـان‌اش متمـائز می‌سـازد و همـه‌ی این‌هـا، شخصیتـی برتر را در تاریـخ معـاصر افغانستـان پدیدار می‌سـازد کـه، نـه این کـه کم‌نظیر است، بلکـه بـی‌نظیر است.

ستـاره‌ی نـام رفیـق "نوراحمد نور" در اوج آسمـان جنبش انقلابـی افغانستـان تـا ابد خواهد درخشید و یـاد وی در ذهن و قـلب انـقلابیون افغانستـان جاودانـه خواهد مـاند.

